

سرمقاله ...

«دشمن ما همینجاست»

منصور امان

جنگ دوازده روز اسراییل و ج.ا فقط صحنه ای برای نمایش نتایج سیاستهای کوتاه بینانه و بی خردانه دستگاه حاکم بر کشور و در راس آن علی خامنه ای نبود؛ این جنگ به گونه بی رحمانه ای ناکارایی و پوشالی بودن ماشین نظامی گران و پرهزینه آن را نیز به تماشای همگان گذاشت. جنگ و روزهای پس از آن همچنین در پهنه اجتماعی یکبار دیگر صف بندی کلان رژیم ولایت فقیه و مرزهایی که برای تعیین دوست و دشمن ترسیم کرده است را پر رنگ تر از هر زمان دیگر به برابر دیدگان جامعه آورد.

جنگ و سرکوب

شرایط جنگی به روشن ترین شکل نه فقط ناتوانی و بی کفایتی حاکمیت در مدیریت عواقب سیاستهای جنگ طلبانه اش را نشان داد، بلکه به رویکرد شناخته شده آن یعنی، بی اعتنایی غیرانسانی نسبت به سلامت، امنیت و کرامت مردم تربیونی جدید برای اعلام وجود داد.

فقدان اقدامات فوری و لازم برای حفاظت از شهروندان در شرایط جنگی، سوپه تراژیک این وضعیت است. «نظام» با یک بار سنگین بر دوش، بدون چتر نجات پایین پریده و نه تنها خود له می شود، بلکه در نقطه ای که سقوط می کند، خسارات و هزینه های بسیار به بار می آورد.

در تمامی سالهایی که خامنه ای و شرکا در اعماق زمین تونل‌های مستحکم برای «شهرهای موشکی» و «ابزارهای ساتنریفیوز» خود می ساختند، حتی یک لحظه نیز به اختصاص وقت و پول برای ساخت پناهگاه، تهیه سیستمهای هشدار، امکانات درمانی و آسکان در شرایط اضطراری و برنامه های رزرو برای تامین خواربار، سوخت و انرژی نیا نندیشیدند. آنها در جنگی که تدارک اش را می دیدند، مردم این سرزمین را جزو «خسارات اجتناب ناپذیر» منظور کرده اند.

بی پناه و بی دفاع گذاشتن مردم ایران به راستی کسی را نباید شگفت زده کند. بی تفاوتی محض به وضعیت جامعه در شرایط جنگی، ادامه سیاست شناخته شده رژیم ولایت فقیه در شرایط تحریم است. در این دوره طولانی و طاقت فرسا، جامعه به فلاکت کشیده شده است، در حالی که دارایی و ثروت آن یا خرج فساد دستگاه حاکم می گردد یا در کوره هزینه های هسته ای و موشکی، دخالنگری خارجی و پروار کردن مزدوران نیابتی دود می شود. تنها تفاوت این دو دوره با هم در این است که اکنون فقط مردم نیستند که هزینه می دهند.

بقیه در صفحه ۳

یادداشت سیاسی ...

مردم ایران علیه

«ملی گرایی» مبتذل و خدعه آمیز خامنه ای!

مهدی سامع

صفحه ۲

جنگ افروزان متخاصم، ما را به کجا می برند؟

بیانیه شماره ۳

خاموشی سلاحها، یک میان پرده

بیانیه شماره ۴

صفحه ۵

کارکرد تشکل دولتی خانه کارگر

علیه نیروهای کار

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

متن نامه سه زندانی سیاسی

صفحه ۵

جنایتی در حال وقوع است

سعید ماسوری

صفحه ۸

شرکت فعالان سچفخا در

کنفرانس سوسیالیسم ۲۰۲۵

لیلا جدیدی

صفحه ۷

چند برگزیده شعر جهان (۵)

م. وحیدی

صفحه ۹

«وطن من، هموطنهای منند»

توماج صالحی

صفحه ۲

در این شماره ...

صفحه ۶

چالشهای معلمان - فرنگیس بایقره

صفحه ۷

چند برگزیده شعر جهان (۵) - م. وحیدی

صفحه ۱۰

زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری

صفحه ۱۱

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام -

صفحه ۱۲

دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد

صفحه ۱۴

رویدادهای هنری ماه -

صفحه ۱۷

جنبش رنگین کمان بیشماران - پویا رضوانی

صفحه ۲۱

مسلخ - م. وحیدی (م. صبح) -

صفحه ۲۴

یادواره / رفیق جواد کاشی - امیر ابراهیمی

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی ...

مردم ایران علیه

«ملی گرایی» مبتذل و خدعه آمیز خامنه ای!

مهدی سامع

می دهد که «ملی گرایی» مبتذل و خدعه آمیز خامنه ای نمی تواند آن را پنهان کند.

نمونه دیگر آخرین سخنان ولی فقیه است. خامنه ای روز چهارشنبه ۲۵ تیر در دیدار با مسئولان قوه فاسد قضائیه گفت: «وفاداری به نظام به زبان و تأیید و حمایت از سیاستهای کلی نظام ضروری و مفید است... نباید اختلاف نظرهای موجود و این جناح و آن جناح کردن را که کاری مضر است غلیظ کرد... بی صبری و پا به زمین کوبیدن و اعتراض به اینکه چرا فلان کار انجام نشد، مضر است... اعتراض و انتقاد باید با لحن قابل قبول و پس از تحقیق و اطلاع یابی انجام شود... گاهی برخی اظهارات و اعتراضهایی که در رسانهها منعکس می شود، ناشی از بی اطلاعی است.» در حقیقت ولی فقیه با خط و نشان کشیدن برای مخالفان، خصلت «ملی گرایی» مبتذل مورد نظر خود، که همان «بیعت مداوم با نظام» است را نشان داد. البته او چهارده سال پیش، ۱۴ بهمن ۱۳۹۰، به صراحت پنبه ملی گرایی را زده و گفته است: «ما در این ۳۰ سال هرچه هزینه داده و تهدید شده ایم به علت اسلام گرایی و امت گرایی مان بوده است... هدف انقلاب اسلامی احیای امت اسلامی است. برای همین هم به حماس و جهاد اسلامی و حزب الله لبنان کمک می کنیم...» (بازپخش در تلگرام حافظه تاریخی)

نکته دوم که کارگزاران، رسانه ها و طرفداران ولایت خامنه ای می کوشند آن را وارونه جلوه دهند، معرفی مسئول جنگ است. از نظر حقوق بین الملل، اسرائیل به خاک ایران تجاوز کرده و واقعیت عینی هم همین است. اما این همه مساله و حتی نکته مرکزی آن نیست. کارل فون کلاوزویتس، کارشناس امور نظامی تعریفی گویا و مورد قبول همگان از جنگ دارد و می گوید: «جنگ ادامه سیاست با ابزاری دیگر است». با قبول این تعریف باید به آن سیاستی متمرکز شد که به این جنگ دامن زد. توضیح این نکته ضروری است که بحث پیرامون سیاستهای جناحهای مختلف اسرائیل به ویژه سیاست اشغالگرانه آن در مورد سرزمینهای فلسطین نیست. در این جا بحث مشخص پیرامون مناسبات رژیمهای ایران و اسرائیل است. از این رو با تأکید باید گفت راهبرد نابودی اسرائیل که از خمینی شروع و خامنه ای آن را ادامه داد، علت اصلی این رابطه خصومت آمیز است. در همان روز شروع جنگ سازمان ما اعلام کرد: «ماجرای پیمهای توسعه طلبانه رژیم جمهوری اسلامی، کشور را وارد یک جنگ بالقوه ویرانگر کرده است که ابعاد آن می تواند به سادگی از حذف سرکردگان سپاه پاسداران و حمله به مراکز هسته ای و نظامی بسا فراتر برود. چنین جنگی، دامنگیر غیرنظامیان و زیرساختهای کشور نیز خواهد شد.

اگرچه عامل حمله بامداد جمعه رژیم فاشیستی اسرائیل است، اما هیچکس جز خامنه ای و سپاه پاسداران مسئول کشاندن ایران به این درگیری و پیامدهای آن نیست. آنچه که با صدای مهیب سر باز کرده، دمل چرکین جنگ طلبی و توسعه طلبی رژیم ولایت فقیه است.»

تکرار جمله ولی فقیه که در بالا نقل شد، «جنگ طلبی و توسعه طلبی» رژیم حاکم بر کشور را بهتر برملا می کند: «هدف انقلاب اسلامی احیای امت اسلامی است. برای همین هم به حماس و جهاد اسلامی و حزب الله لبنان کمک می کنیم.»



جنگ دوازده روزه میان ولایت خامنه ای و دولت فاشیستی نتایهاو با مداخله جانبدارانه سیاسی-نظامی ترامپ از اسرائیل به آتش بس ناپایدار کنونی منجر شده است. پیرامون این جنگ ارتجاعی انبوهی از اخبار و گزارشهای غیرواقعی به ویژه از جانب رسانه های حکومتی در ایران منتشر شده است. یکی از شایع ترین دروغها که با حقه بازی از جانب نهادهای امنیتی رژیم ولایت فقیه پوشش داده می شود، پیرامون رابطه مردم با این جنگ و حکومت ایران است. کارگزاران امنیتی نظام و البته برخی از سازشکاران و فرصت طلبان حرقه ای مدعی هستند که مردم ایران در «اتحاد» با نظام بوده اند. مهمترین دلیل کارگزاران نظام و در راس آن خامنه ای برای این جعل تاریخی این است که مردم در این شرایط برای سرنگونی رژیم به خیابان نیامدند. مبلغان کوتاه فکر نظام برای اثبات نظریه خود، به گنجهای رضا پهلوی استناد می کنند و آن را تلاش «اپوزیسیون» معرفی می کنند. در شماره پیش ماهنامه نبردخلق نوشتیم: «از دوران سلسله صفویه تاکنون، بسیاری از حکومتهای ایرانی در برابر قدرتهای خارجی زانو زده و بخشهای وسیعی از کشور را به آنان واگذار کرده و به ساکنان این سرزمین کهن خیانت کرده اند. برای نمونه جنگ با عثمانی و شکست حکومت ایران در چالدران و جنگهای ایران و روس که منجر به قراردادهای ننگین گلستان و ترکمنچای شد.» در جنگ جهانی دوم هم دیدیم که نیروهای نظامی رضا شاه و خود او چگونه بدون شلیک یک گلوله تسلیم شدند. براساس این قاعده عمومی که در جنگهای خارجی مردم در کنار حاکمان مستبد قرار نمی گیرند، در جنگ دوازده روزه اخیر هم مردم نه در کنار حکومت و در حمایت از آن، بلکه در همیاری به یکدیگر تا جایی که امکان داشتند، شهرهای مهم مورد تهاجم را ترک کردند.

نمونه روشن مقایسه تصاویر و فیلمهای مراسم خاکسپاری و هفتمین روز جانبختن دو جوان همدانی، جاوید نامان مهدی عبایی و علی رضا کرباسی، با مراسم حکومتی که برای سرکردگان سپاه در تهران برگزار شد است. جمعیت شهر تهران بیش از ۹ میلیون و جمعیت شهر همدان ۶۵۱،۸۲۰ نفر است. نگاه دقیق به تصویری که از میدان امام حسین در تهران منتشر شده واقعیت سیاسی جامعه ما را نشان

«وطن من، هموطنهای منند»

توماج صالحی



ایران برای من یعنی مردمی که در این خانه با هم متولد شده ایم، با هم رنج کشیده ایم، با هم از سختیها گذشته ایم، شادیهایمان یکی بوده، طنینانمان یکی، گاهی با هم مخالفت کرده ایم و از هم دور شده ایم، اما در نهایت جز همدیگر پناهی نیافتیم.

وطن من کولبری ست که با قامت خم شده زیر بار نابرابری، هنوز ایستاده ترین تصویر جهان است.

وطن من کارگری ست که دستهای پینه بسته اش هنوز بوی امید می دهند.

وطن من دانش آموزی ست که حتی در کلاس سرد، رویاهای گرم در سر می پروراند.

وطن من دانشجویی ست که حتی در میان جنگ، لبخندش یادآور جریان داشتن زندگی ست.

وطن من هنرمندی ست که صدای بی صدایان بودن را به تمام بلندگوهای رنده از سانسور ترجیح می دهد.

وطن من آن نظامی شریفی ست که هرگز حاضر نشد در برابر هموطنش بایستد.

تفاوت در قومیت، مرزی میان ما نخواهد کشید، اختلاف نظرها نمی تواند ما را فریب دهد، ما یکی هستیم و برای همدیگر کافی، و برای فرصتهای

برابر، برای آزادیهای فردی، برای دموکراسی، برای ایرانی شوهمند دستهای همدیگر را

می گیریم.

مردم ایران نه تنها مالکان اصلی این سرزمینند، بلکه معنای حقیقی آنند.

#ما_خود_ایرانییم

توماج صالحی

«دشمن ما همینجاست»

بقیه از صفحه ۱

رژیم ج.ا به جای حفاظت از شهروندان در برابر حملات هوایی اسرائیل، همه توان امنیتی و نظامی خود را برای خفه کردن صدای آنها، جلوگیری از رسیدن اخبار و اطلاعات حیاتی و سرکوب کوشندگان مجازی و شهروند - خبرنگاران به کار انداخته است.

از هنگام شروع درگیری نظامی با اسرائیل در روز جمعه ۲۳ خرداد، دستگاه حاکم پله به پله فشارهای سرکوبگرانه خود را افزایش داده است. در همین روز، دسترسی به اینترنت محدود شد، نیروهای ضد شورش در خیابانهای تهران مستقر شدند و دستگاههای نظامی - امنیتی و قضایی به تهدید شهروندان پرداختند. در پی آن، حاکمیت دست به تعقیب و دستگیری منتقدان و مخالفان جنگ در سطح کشور زد که همچنان ادامه دارد. در بسیاری از شهرهای کشور پستهای ایست و بازرسی ایجاد شده است و به بهانه «جاسوسی» صدها نفر دستگیر و شماری نیز اعدام شده اند.

تمامی این تدابیر نشان از نگرانی فزاینده رژیم حاکم از قیام مردم و درهم کوبیدن آن دارد. برای رسیدن به این واقعیت، اتاق فکری آن نیازی به کنکاش زیادی ندارد؛ فقط نگاهی به حجم اعتراضهای خیابانی کارگران، بازنشسته ها، پرستاران، رانندگان کامیون، معلمان، مشاغل خرد و جز آنها پتانسیل اجتماعی قیام را برابر چشم آنها می آورد. از سوی دیگر، خیزش «زن، زندگی، آزادی» و نیرویی که از جامعه و به ویژه زنان و جوانان آزاد کرد، عامل موجود و مهم دیگری را به صحنه آورده که در بزنگاه به خوبی می تواند فعال شود.

مرزها مخدوش نمی شود

تنها چند روز پس از برقراری آتش بس در جنگ خارجی، در ادامه جنگ رژیم ولایت فقیه علیه جامعه، نظامیان آن در همدان دو جوان به نامهای علیرضا کرباسی و مهدی عبايي را زیر رگبار سلاحهای خود گرفته و به قتل رساندند. مراسم خاکسپاری آنها به سرعت به یک راهپیمایی اعتراضی علیه رژیم ولایت فقیه تبدیل شد که در آن به خیره کننده ترین شکل، بر پابرجایی مرزبندی جامعه با آن مهر تأکید گذاشت. مردم همدان با شعار «دشمن ما همینجاست، دروغ میگن آمریکا»، آگاهی شکل گرفته و موجود در جامعه پیرامون ماهیت و جهتگیری سیاستهای رژیم خامنیه ای را یک درجه تعیین کننده ارتقا دادند.

شعار یاد شده که یک اعلان رایج و همه گیر در بیشتر حرکتهای اعتراضی سیاسی، صنفی و مدنی است، در همان حال که سیاستها و تدبیرهای دشمنانه حاکمیت علیه نان، کار، آزادی و آسایش مردم را تبیین می کند، سد محکمی در برابر فریبکاریهای آن است که فساد حکومتی، فلاکت اجتماعی، تحریم خارجی و بی لیاقتی خود را با ترم «دشمنان» و به ویژه آمریکا و اسرائیل توضیح می دهد.

آنچه که طرح این شعار در همدان و بر فراز صحنه سیاسی ایران را جایگاه ویژه می بخشد، نقطه ای از تاریخ است که سر داده شده. رژیم خامنیه ای با شروع جنگ و پس از بیرون آمدن از گنجی ناشی از ضربات وارد آمده به آن، بی درنگ به لباس «ایران دوستی» و «میهن پرستی» درآمد و دستگاه تبلیغاتی خود را روی مضمونهای ناسیونالیستی کوک کرد. هدف مقدم آن از این تحرکات را فرار از مسوولیت و نقش تعیین کننده خود در کشاندن شدن جنگ به ایران تشکیل می داد. منتهمانی که لاقیدانه و بدون هرگونه همدردی و تعهد در

برابر «میهن» و «ایرانیان»، درب ویرانی و مرگ را باز کرده اند، برای ننشستن روی چارپایه اتهام، ایفاگر نقش مدافعان و سخنگویان این در ارزش ملی شدند.

هدف دوم مهار خشم جامعه نسبت به فاجعه تازه ای بود که دستگاه حاکم بر سر آن نازل کرده بود. پس از چهار دهه زندگی زیر آثار و پیامدهای مشقت بار بحرانهای خارجی حاکمیت و در حالیکه پروسه بی پایان رنج و سختی مردم به تازگی از مرز جهنمی قطع دسترسی به آب، برق و انرژی گذشته بود، جنگ ناراضی و اعتراضهای موجود را جان و نیرویی دوچندان می بخشید. افزوده شدن یک جنگ ناخوابسته به شرایط وخیم کار و زندگی، آخرین کابوسی بود که فرودستان می توانستند داشته باشند.

ناسیونالیسم اوباش

شنیده شدن شعار «دشمن ما همینجاست» در اوج عریضه کشی ناسیونالیستی، بازگوکننده درجه تضاد بین دو قطب اصلی جامعه است، بدان درجه که حتی جنگ خارجی نیز نمی تواند آن را کنار زده یا تخفیف دهد. معترضان همدان فرش ملی گرای را از زیر پای حاکمیت بیرون کشیدند و آینده کارزار آن را در پرتو اعتراضهای در راه ترسیم کردند. آنها با به رسمیت نشناختن معادله «دوست - دشمن» رژیم حاکم، تابلوی سیرک ناسیونالیسم آن را پایین کشیدند و رشته هایش را پنبه کردند.

اگر جعلی و تقلبی بودن ایران دوستی یکبشه استبداد مذهبی نمادی می داشت، بی تردید آن شوی رسوایی بود که آخوند خامنیه ای و یک اوباش بدنام به گونه مشترک ستاره های اصلی آن بودند. ولی فقیه نظام که پس از ۲۲ روز از مخفیگاهش برای ساعاتی بیرون آمده بود، از مداح هفت تیرکش خواست که «ای ایران» را بخواند؛ ترانه ای سروده تورج نگهبان که به گونه زنده ای با مضامین دینی و حکومتی تغییر ماهیت داده شده بود تا از آن نوحه ای آزار دهنده ساخته شود. اگرچه جاعلان این ترانه غرق در موج تمسخر اجتماعی به گونه ناخوشایندی متفضح شدند، اما بی تردید می توانند با این واقعیت تسکین یابند که ناسیونالیسم «مقام معظم» چند پله از ترانه سرقتی آنها دفرمه و معیوب تر است و به همین اعتبار بخش بزرگتر خفت این مضحکه نصیب او می شود.

سکه تقلبی ناسیونالیسم خامنیه ای دارای دو رویه است: نخست پایش جامعه به وسیله ایجاد فضای «همه با هم» زیر پرچم «نظام» و سپس استفاده از آن به مثابه چماقی بر سر مخالفان و معترضان و تراشیدن اتهاماتی مانند «جاسوس»، «عامل بیگانه»، «وطن فروش» و جز آن. در پی این هدف، حاکمیت پایوران، افراد، باندهای مغلوب و اخراجی، امکانات و دستگاه های خود را برای ریختن فاضلاب جنگ و جنگ طلبی به ظرف ناسیونالیسم و پنهان شدن پشت آن بکار انداخته است.

أمت یا ملت؟

مشکل عمده آن برای جانداختن این بلوف، رویکردهای شناخته شده اش علیه عوامل، عناصر و نشانه های ملی - فرهنگی ایران است؛ سیاستی که ریشه در تلاش استراتژیک استبداد مذهبی برای حذف مفهوم «ملت» از ساختار جامعه و شکل دادن آن بر پایه «أمت» دارد. نفی و مبارزه با باورها، سنتها و میراث تاریخی - فرهنگی، فقط بخشی از حرکت در این جهت را تشکیل می دهد. بخش اصلی، در سیاست خشن و خونین برای تغییر مبنای رابطه ملت با دولت به نمایش در می آید که رژیم ج.ا بیش از چهار دهه است به پیش می برد.

نظم دینی حاکم به این وسیله به یک پرسش مهم اجتماعی، یعنی چگونگی بنای ساختار جامعه پاسخ می دهد.

درحالیکه جامعه ای ملت بنیاد از شهروندان مستقلی تشکیل شده که در رابطه حقوقی تعریف شده با حکومت قرار دارند و دارای حقوق سیاسی، مدنی و اقتصادی مشخصی هستند، در مناسبات اُمت بنیاد، پایه رابطه شهروندان با دولت تکلیف و تقلید دینی است و شهروند فقط با هویت مومن، مقلد، مرید یا پیرو به رسمیت شناخته می شود. میخ این مناسبات را قرار دادن شریعت، فتوا و رساله دینی به مثابه مبنای قانون و حقوق می گوید. نظم دینی حاکم به این وسیله خود را از قید ارزشهای جهانشمول مانند حقوق بشر، دموکراسی، مدنیت مدرن و حقوق شهروندی رها ساخته است. در چشم آخوند علی خامنه ای، «ملت» و پیرو آن «ملی گرای» همواره فاکتورهای مزاحم انگاشته شده اند، چرا که تعهدات و مناسبات ناشی از آنها استبداد مذهبی را خنثی و در انتها فاقد توان بقا می کند. نظم ولایت فقیهی در نقطه مقابل جامعه سیاسی دولت-ملت است؛ نظمی که در آن اعضای جامعه شهروند به حساب می آیند و پیرو آن از حقوقی مانند آزادی بیان، آزادی عقیده و مذهب، برابری در مقابل قانون و حق مشارکت سیاسی برخوردارند.

از سوی دیگر، مبارزه بی وقفه رژیم حاکم با مفهوم «ملت» و تلاش برای سازماندهی و جایگزینی «أمت»، کارکرد تعیین کننده ای در تبیین و توجیه سیاست خارجی آن دارد؛ سیاستی که بر مبنای دخالتگری خارجی، مداخله گرای و توسعه طلبی اُستوار شده است. برخلاف «ملت» که بر زندگی یک واحد انسانی با عناصر مشترکی از تاریخ، فرهنگ، جغرافیه، زبان و آگاهی دلالت دارد، «أمت» از جامعه مومنان و به بیان دقیق تر، از ترم عام مسلمانان سخن می گوید که می توانند دارای هر زبان، تاریخ و جغرافیایی باشند. این زمینه ای است که خامنه ای و همدستانش بر متن آن لشکرکشی خارجی، تشکیل گروههای نیابتی و مزدور و مداخله بحران زا در کشورهای دیگر را توضیح می دهند. اصطلاح «صدور انقلاب» زاده این سیاست است.

در همین حال قالب ایدیولوژیک اُمت سازی و ادبیات متعصبانه همراه آن نباید کسی را نسبت به ماهیت عمیقاً سیاسی و پراگماتیستی این پروژه به اشتباه بیاندازد. اُمت سازی به مثابه برنامه عمل اسلام سیاسی، پروژه ای برای کسب قدرت و ثروت و حفظ آن است. از داعش تا ج.ا، هدف مرکزی، سلطه بر جامعه و بر غارت داراییهای و ثروت سرزمین تصرف شده است. بحران خارجی دائمی رژیم ولایت فقیه در این راستا برای یک دوره طولانی نقش تضمین امنیتی برای حفظ این مناسبات را ایفا کرده است.

برآمد

جامعه دشمن خود را می شناسد و هزینه هایی که داده و می دهد را به حساب آن، استبداد مذهبی، منظور می کند. در این پهنه وضع موجود و روند آن به سود خامنیه ای و پاسدارانش نیست. آنها زیر ضربات اسرائیل تضعیف شده اند، سر دستگاه نظامی - امنیتی حذف شده است و حاکمیت آشکارا نه توان رویارویی با «دشمن» اش را دارد و نه قادر به جبران ضربات انسانی، سازمانی و تجهیزاتی است که پیاپی متحمل می شود. «نظام» زیر فشار شتاب حوادث و ضرباتی که می خورد، گیج شده و دیگر نمی تواند مرزهای سیاسی و طبیعی خود را مانند گذشته حفظ کند. روز حسابرسی نزدیک می شود و دشمنان واقعی رژیم ج.ا، دشمنان بی عدالتی، استبداد، ستمکاری و تبعیض مهیا می شوند.

کارکرد تشکل دولتی خانه کارگر علیه نیروهای کار

زینت میرهاشمی

در سالگرد تاسیس سازمان تامین اجتماعی (تیر ۱۳۵۴)، از بحران جدی تا ورشکستگی صندوقهای بیمه بازنشستگی... از دست درازی دولتهای دست نشانده خامنه ای در این صندوقها و همچنین چشم انداز سرنوشت زندگی و معیشت میلیونها بازنشسته و نیروی کاری که امیدشان به این صندوقهای بیمه بسته شده است، موضع خانه کارگر (نهاد حکومتی)، جلوگیری از ستیز طبقاتی نیروی کار برای گرفتن حقوق شان به نفع آرامش و امنیت حکومت ولای است.



تشکل دولتی خانه کارگر در روز ۲۵ تیر، در مراسمی به مناسبت سالگرد تاسیس سازمان تامین اجتماعی، قطعنامه ای طوفانی صادر کرد که جان مایه آن تعریف و تمجید از ولی فقیه ارتجاع، التزام به تلاش برای حفظ امنیت رژیم در خالی کردن خیابان و ساده سازی مطالبات برحق و دیرینه بازنشستگان و نیروهای کار با دادن وعده حل آنها در چارچوب رژیم است.

بخش پایانی قطعنامه، ماهیت ضد کارگری برگزارکنندگان مراسم را به خوبی روشن می کند. در این بیانیه آمده است: «در خاتمه اعلام می نمایم **حفظ انقلاب و تداوم آن از واجبات** است. ما ضمن بیعت مجدد با شهدا و امام شهدا و رهبر کبیر و فرزانه انقلاب، بار دیگر پیمان می بندیم که از راه رفته باز نخواهیم گشت و همه توان خود را در جهت تثبیت ارزشهای انقلاب به کار خواهیم بست.

امید داریم این قطعنامه پایانی، مورد توجه مسئولین قرار گیرد تا آرامش را به جامعه کارگری شاغل و بازنشسته بازگردانند. قطعاً پس از برگشت آرامش روانی به جامعه هدف، شاغلین و بازنشستگان قدردان زحمات آن ها خواهند بود.»

حسن صادقی، معاون این نهاد حکومتی گفته: «برای بازگشت بانک رفاه قرار بود جلوی مجلس تجمع داشته باشیم به دلیل شرایط جنگی صرف نظر کردیم.»

«بیعت» با سران حکومت دزدسالار، این وصله ناجور برای سران این نهاد نمایشی در استفاده از سفره چرب و چیلی حکومت، کاربرد دارد. این تملق گرایی و قربان صدقه از آخوند خامنه ای برازننده کارگران معترض نیست.

حسن صادقی و شرکا تاثیر زینبار راهبردهای «رهبر کبیر» نظام بر اقتصاد به تبع آن بر صندوق بازنشستگان را نادیده می گیرند. اما آخوند محمدرضا یوسفی، از گردانندگان حوزه ارتجاع قم، در شماره روز ۲۲ تیر ۱۴۰۴ روزنامه حکومتی شرق نوشت: «جنگ ۱۲ روزه ای که از سوی اسرائیل بر ایران تحمیل شد و با مداخله ایالات متحده شدت یافت، هر چند موجب آسیب دو طرف شد، اما اقتصاد ایران را که پیش تر نیز با چالشهای عمیق ناترازی در بخشهای انرژی، بانکی، ارزی، صندوقهای بازنشستگی، بازار کار و مانند آن دست به گریبان بود، در گردابی از بی ثباتی عمیق تر فرو برد.»

بعید است کسی پیدا شود که در نقش ولی فقیه در این «گردابی از بی ثباتی» تردید کند.

بحران تامین اجتماعی و نقش دولتها

حکومت و همه باندهای آن، بنا به این که کدام باند در بازی قدرت جای داشته باشد، در ایجاد بحران در صندوقهای بیمه نقش دارند. یکی از عوامل این بحران، فرایند اقتصاد مقاومتی و تحمیل فقر و ریاضت کشی به مردم است. اقتصاد مقاومتی یعنی ثروت و بودجه در اختیار سیاست بازدارندگی برای حفظ نظام ولایی از طریق گسترش تروریسم در خارج از مرزها با تکیه بر سرکوب در داخل است.

در تثبیت این سیاست و پیشبرد آن، همه دولتها به شمول اصلاح طلبان قلابی و میانه روهای شان نقش داشته اند. زیرا همه آنها بر اساس قانون اساسی و التزام به ولایت فقیه، موظف به اجرای فرامین خامنه ای بوده و هستند.

روزنامه حکومتی کار و کارگر در شماره روز سه شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴، راهکارهای کلان نظام را به زبان مردم دانسته و می نویسد: «هزینه های جراحیهای اقتصادی دولت همیشه بر دوش مردم.»

سازمان تامین اجتماعی، نهادی عمومی، غیر دولتی است که سرمایه آن از دریافتی حق بیمه از مزدبگیران و بیمه شدگان تشکیل شده است. سهم دولت در پرداختی به این صندوق ۳

درصد، ۲۰ درصد سهم کارفرما و ۷ درصد سهم کارگران است. باین سرمایه بازنشستگان می توانند ۳۰ درصد از حقوق شان را در هنگام بازنشستگی دریافت کنند.

تا جایی که به پرداختی کارگران بر می گردد این امر به صورت اتوماتیک از حقوق شان برداشته می شود. در این میان، دولت یکی از ابردهکاران به سازمان تامین اجتماعی است. «ابردهکاری» که همه داراییهای این بزرگترین نهاد تامین اجتماعی را در دست گرفت و آن را به بحران کشاند.

در مورد بدهی چند دهه حکومت به این نهاد، آمار شفاف وجود ندارد. برآورد بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی از یک تریلیون تومان گذشت. (حسن صادقی ایلا ۲۵ تیر ۴۰۴). سازمان تامین اجتماعی ماهانه بین ۷ تا ۸ هزار میلیارد تومان کسری دارد. این کسری قبلاً از طریق بانک رفاه استقراض می شده است. این بانک توسط دولت مصادره شد. با توجه به واگذاری ۶۷ درصد سهم این بانک از طرف دولت به بخش خصوصی (خصوصی)، ذیل ماده



۴۴ قانون اساسی، این امکان مشکل پیدا کرده است. در تصمیم گیری و مدیریت واگذاری تسهیلات بانکی در وامها و... هیچ نهاد کارگری نقش ندارد. به عنوان مثال دادن وام قرض الحسنه بیش از ۲۳ هزار میلیارد تومانی برای فرزندآوری است. استفاده کنندگان این وامها، همان بسیجیهای حلقه به گوش «رهبر» چنایتکار است که احتیاج به لشکر خود دارد.

یکی از راه حلهای مطرح شده برای پرداخت بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی، «واگذاری شرکتهای و بنگاههای متعلق به سازمان بازنشستگی کشوری به سازمان تامین اجتماعی در دو مرحله» است. بنا به گفته احمد بیگدلی پاسدار قالیباف با این طرح مخالفت و مانع از تصویب آن شده است. احمدبیگدلی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس ارتجاع، از مخالفت قالیباف با لایحه پرداخت بدهی دولت به صندوق بازنشستگان خبر داد. (صفحه اقتصاد سه شنبه ۱۰ تیر ۴۰۴)

دست دراز دولت در سودبردن از بنگاهها و شرکتهای متعلق به سازمان تامین اجتماعی یک سیاهه طولانی دارد که بارها در جنگ و بگو مگوی باندهای قدرت بخشی از آن از زیر قالی مافیای حکومتی بیرون آمده است.

کاهش ارزش پول ملی، اقتصاد بحرانی و ناپایدار، تعطیلی واحدهای تولید، پلپ کردن اصناف بر سر عدم رعایت قوانین حجاب اجباری، نامتناسب بودن دستمزدها با تورم، اقتصاد دستوری و... در کنار چپاول و فساد کارگزاران حکومتی و وابستگان به آنها در شرکتهای و هلدینگهای وابسته به سازمان تامین اجتماعی، چشم اندازی برای حل مساله ناترازی در صندوق بازنشستگی که به ناترازی در حقوق بازنشستگان منجر می شود نیست. بحران و ورشکستگی که معیشت و آینده میلیونها نیروی کار و بازنشسته را به طور جدی تهدید می کند دقیقاً با ساختار رژیم ولایت فقیه گره خورده است. از این منظر برای تغییر شرایط و کوتاه کردن دست دزدها از صندوق سرمایه نیروی کار، بر خلاف توصیه خانه دولتی کارگر، باید در خیابان و اعصاب و اعتراض گسترده دست آنها را کوتاه کرد که طبیعتاً آرامش و امنیت رژیم فاسد را بر هم خواهد زد. جایی که استثمارشدگان آرامش ندارند، آرامش و امنیت استثمارشوندگان باید سلب شود.

متن نامه سه زندانی سیاسی



گلرخ ایرایی، ریحانه انصاری، وریشه مرادی

مسیر مبارزه همچنان ادامه دارد، رنج امروز خود را فراتر از آن چه بر مردم ایران تحمیل شد نمی دانیم. روز دوشنبه دوم تیر درحالی که بیش از سه هزار نفر در زندان_اوین در بندهای مختلف پشت درهای بسته محبوس بودند، راکتهای اسرائیل در محوطه زندان و بر ساختمانهای اوین فرود آمدند. علاوه بر کشته شدگان از تعدادی از بازداشت شدگان که در سولههای انفرادی محبوس بودند نیز تاکنون خبری در دست نیست. ما زنان اوین صبح سه شنبه با اعمال محدودیتهای شدید امنیتی به زندان قرچک ورامین منتقل و حدود سه هزار نفر مردان اوین نیز به زندان تهران بزرگ منتقل شدند. اگرچه نسبت به پیش از انتقال در شرایط نامساعدتری قرار گرفته ایم، اما همسو با رفقا و برادران مان در زندان تهران بزرگ که هم‌زمان با ما مورد حمله و اعمال فشار قرار گرفته اند، اعلام می کنیم شرایط فعلی خللی در مبارزات مان ایجاد نخواهد کرد. چرا که می دانیم «این مسیری نیست که در آن بی مکافات به مقصد رسید.»

از زمان انقلاب مشروطه تاکنون، با بروز جنگهای متعدد، کودتای ضدمردمی، کشتار مردم بی دفاع و مخالفان سیاسی که به دست حکومتیهای استبدادی در یک قرن گذشته انجام شده و بسیاری فراز و فرودها که تاریخ بر آن گواه است، مسیر مبارزه همچنان ادامه دارد. ما امروز در زندان قرچک هستیم و در شرایطی قرار گرفته ایم که بیش از هزار زن با جرائم مختلف سالها با آن مواجه و آن را زندگی کرده و می کنند. زنانی از اعماق با رنجهایی که در نهانخانه چشمان شان نقش بسته است و گویای پرسه‌های بیدادی است که برای درهم شکستن شان با به مسیر امروز گذاشته‌ایم. پرت شدگانی در انتهای دنیا که در هیچ یک از معادلات زندگی و مناسبات خبری و موجهی رسانه ای جایی ندارند و در گزارشهای حقوق بشری، نامی و نشانی و ردی از رنجهای شان دیده و شنیده نمی شود. آنچه در این چند روز ما را مبهوت کرده است حقیقت زندگی این زنان است. زانی خمیده در تختهای کوتاه به ابعاد قبر، با حسرت برخوردار بودن از حداقل امکانات زیستی و بهداشتی. در میان دیوارهای چرکین و کبره بسته از کثافت سالها زندگی مشقت بار، بسیاری شان بدون ریالی واریزی، برای پول سیگار روزانه خود را در اختیار همبندیان قرار می دهند. برای بهره کشی. برای بهره کشی جنسی. و تن به هر حقارتی می دهند. برای سیر کردن شکم شان. و برای برخورداری از حداقل آنچه بر دلهاشان حسرت شده است. در بخش کارگری زندان مشغول به کار می شوند و در ازای ساعتها کار سخت روزانه (از هل دادن گاری حمل غذا و زباله تا نظافت اتاق استراحت و کار زندان بانان) بدون دریافت مزد فقط از دقایقی زمان بیشتر برای تماس تلفنی برخوردار می شوند. در کارگاه زندان به بیگاری مشغول و به دوخت و دوز می‌پردازند تا از پاکتی سیگار در انتهای روز برخوردار شوند. زانی که عموماً مانع از همزیستی ما زندانیان سیاسی با آنان می شوند؛ مگر به قصد تنبیه و تبعیدمان به حکم قضایی. و حالا اگرچه در زندان قرچک و جدا از آنان اسکان داده شده ایم، اما مصائب مان جدا از آنان نیست.

ما در کنار مبارزات خستگی ناپذیر مردم علیه دیکتاتوری، با اهدافی روشن و خط مشی محکم، مسیر مبارزه را تا سرنوشتی و برچیدن هر شکلی از خودکامگی ادامه خواهیم داد. و در کنار این فراموش شدگان که از چرخه زندگی بیرون گذاشته شدند، با عزمی راسخ تر از پیش مقاومت را دوره می‌کنیم. و به آنانی که صدای شان برای ما و شرایط نامساعدمان بلند است، با صدایی رساتر می‌گوییم آنچه امروز بر ما تحمیل شد، فراتر از رنج سالیان این زنان نیست. پس برای بهبود شرایط «ما» بدون در نظر گرفتن جرائم مان و برای بهبود شرایط «ما» که به زندان قرچک و تهران بزرگ منتقل شده ایم، بدون در نظر گرفتن جنسیت مان تلاش کنید و بدانید آنان که در زیر آوار ناشی از حمله مقفود و آنانی که در چرخه بیرحم زندگی مطرود شده‌اند، بر ما آرچند.

باشد که حلقه ای باشیم در زنجیر مبارزات برابری طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران که بیش از یک قرن استبداد و استثمار را تاب آورده‌اند و به پیش می روند.

گلرخ ایرایی، ریحانه انصاری، وریشه مرادی

زندان قرچک ورامین تیر ماه ۴۰۴

جنگ افروزان متخاصم، ما را به کجا می برند؟

بیانیه شماره ۳



حمله آمریکا به کلیدی ترین تاسیسات هسته ای رژیم ولایت فقیه را می توان نقطه عطفی در روند درگیریهای خاورمیانه دانست. این اقدام نظامی، صحنه بازی را به شکل اساسی تغییر داده و بحران کنونی را در آستانه دو مسیر به کلی متفاوت قرار داده است: یا این حمله آغاز پایان یک بحران چندلایه خواهد بود، یا سرآغاز مرحله ای به مراتب مرگبارتر و پیچیده تر. انتخاب مسیر آینده، اکنون به واکنش و تصمیم جمهوری اسلامی گره خورده است.

دستگاه حاکم بر کشور تاکنون نشان داده که تصمیمهایش را بدون محاسبه منافع مردم ایران و سرنوشت کشور می گیرد. خامنه ای و همدستانش از دریچه منافع خود به جهان پیرامون می نگرند و گامهای شان را تنظیم می کنند. با توجه به این واقعیت، خطر تشدید قابل توجه جنگ که اکنون با ورود آمریکا ابعاد جهنمی تری یافته، یک سناریوی واقعی است که با صدای بلند نسبت به آن باید هشدار داد.

در حالی که رژیم حاکم تمام اهرمهای فشار خود را از دست داده و توانایی دفاع از کشور را نیز ندارد، تنها تاثیر اقدام جنون آمیز و تلافی جویانه احتمالی آن، کشاندن بیشتر جنگ و ویرانی به داخل مرزها و گشودن دست آمریکا و اسرائیل است. حاکمان ج.ا به دلیل برتری نظامی طرفیهای مقابل، در چنین شرایطی در پی آن خواهند بود که درگیری را به یک جنگ فرسایشی تبدیل کنند.

ورود به این مرحله از جنگ، روند تخریب زندگی مدنی را که آغاز شده، شتاب و ابعاد دیگری می دهد. در شرایطی که رژیم فاسد جمهوری اسلامی حتی در شرایط غیر جنگی هم از تامین آب، برق، انرژی، دارو و کالاهای مصرفی اساسی عاجز است، پیامدهای مخرب و ضد مردمی یک جنگ طولانی، یک فاجعه انسانی تمام عیار را برای مردم ایران رقم خواهد زد.

هم میهنان، دوراهی استبداد دینی حاکم بین جنگ و سازش، دوراهی شما نیست. به جنگ و تحریم شما می توانید خاتمه دهید، برقراری صلح پایدار در کف شماست. برای اینکه این وطن، وطن شما باشد و نه میدان جنگ اقلیتی غارتگر و خونریز، باید برخاست و به نام آینده، رژیم جمهوری اسلامی را زیر آوار دیروز و امروزی که ویران ساخته، دفن کرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یکشنبه ۱ تیر ۱۴۰۴ - ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵

خاموشی سلاحها، یک میان پرده

بیانیه شماره ۴

توقف درگیری بین رژیم ولایت فقیه و رژیم فاشیستی اسرائیل خبری است که می تواند اندکی از فشار اضطراب و نگرانیهایی که از هنگام آغاز این جنگ ارتجاعی به مردم ایران تحمیل شده، بکاهد. همزمان این تحول به معنای خاتمه بحران خارجی رژیم حاکم نیست. گزافه گوییها و ادبیات خصمانه اعضای حاکمیت بی درنگ پس از اعلام متوقف شدن درگیری، گواه آن است که نظام حاکم قصد تغییر سیاستهای ویرانگر خود را ندارد و همچنان روی ریل جنگ افروزی و بحران آفرینی حرکت می کند.

خاموشی شدن سلاحها مترادف پایان جنگ نیست. صلح در درجه اول مشروط به کنار رفتن همه عواملی است که به جنگ دامن زده و می زند. رفتار حاکمان ج.ا ثابت می کند که توقف درگیری نظامی بدون داشتن مابه ازای سیاسی، فقط یک وقفه در روند محاصرات خواهد بود. رژیم علی خامنه ای در این جنگ، طی ۱۲ روز ارشدترین سرکردگان ماشین جنگی خود، بخش مهمی از تسلیحات موشکی و بنیانهای فعالیت هسته ای اش را از دست داد. آسمان کشور به تصرف ارتش بیگانه درآمد و مرزهای کشور فاقد موضوعیت گردید.

علی خامنه ای که در نخستین روز جنگ فرار کرد، قصد دارد شکست سیاسی، امنیتی و نظامی رژیم اش را در خیابانها و زندانهای ایران و با تشدید جنگ علیه مردم جبران کند و به این وسیله به بساط از تعادل خارج شده استبداد دینی توازن ببخشد.

ما نسبت به نقشه تبهکارانه رژیم حاکم هشدار می دهیم و زنان، جوانان، مزد و مستمری بگیران، زحمتکشان شهری و روستایی را به مقاومت فعال و برهم زدن این طرحها که از موضع ضعف و بر پایه وحشت اتخاذ شده، فرامی خوانیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سه شنبه ۳ تیر ۱۴۰۴ - ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵

چالشهای معلمان (تیر ۱۴۰۴)

فرنگیس بایقره

این افراد در اعتراض به آنچه «تقلب سازمانیافته» در آزمون ورودی مدارس سمپاد گزارش شده است، مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران دست به تجمع زدند. خانواده های معترض گفتند که سؤالات آزمون برگزار شده در تاریخ ۱۹ تیر، دستکم یک روز پیش از آن در کانالهای تلگرامی فروخته شده است. آنها همچنین اظهار می دارند که برخی مدارس نیز همان سؤالات را پیش از آزمون در اختیار دانش آموزان گذاشته اند. این شهروندان با در دست داشتن پلاکاردهای اعتراضی، خواستار ابطال آزمون و رسیدگی به تخلفات مورد ادعای خود شدند. همزمان، وزارت آموزش و پرورش، انتشار سؤالات آزمون ورودی مدارس استعدادهای درخشان و نمونه دولتی، پیش از برگزاری آزمون را تکذیب کرده است.

دانش آموزان؛ قربانی جنگ تحمیلی به مردم

بیشترین تعداد دانش آموزان کشته شده در مقطع تحصیلی دبستان و متوسطه اول بوده اند. در میان این دانش آموزان، تعدادی ورزشکار حرفه ای بودند و تعدادی به همراه همه اعضای خانواده کشته شده اند. ۱۴ دانش آموز دختر و ۱۶ دانش آموز پسر در حمله به مناطق مسکونی شهرهای مختلف، کشته شده اند که نامهای شان به شرح زیر است:

فاطمه شریفی / پایه هفتم دبیرستان

مجتبی شریفی / پایه سوم

متین صفائیان / پایه یازده دبیرستان

احسان قاسمی / پایه یازده دبیرستان

امیرعلی چترنبرین / پایه هفتم دبیرستان

سروین حمیدیان / پایه سوم دبستان

پرهام عباسی / پایه نهم دبیرستان

آرمین باکویی / پایه دهم دبیرستان

باران اشراقی / پایه سوم دبستان

طاها بهروزی / پایه اول دبستان

آرمین موسوی / پایه اول دبستان

مرسانا بهرامی / پایه دوم دبستان

امیرعلی امینی / پایه ششم دبستان

محیا نیکزاد / پایه اول دبستان

سهیل کتولی / پایه پنجم دبستان

فاطمه ساداتی ارمکی / پایه دوم دبستان

ریحانه ساداتی ارمکی / پایه هفتم دبیرستان

علیسان جباری / پایه اول دبستان

تارا حاج میری / پایه دوم دبستان

محدثه اقدسی

هلنا غلامی

محمد رضا اقدسی

محمدحسین خاکی

مطهره نیازمند

فاطمه نیازمند

علیرضا نیازمند

زهرا بهمن آبادی

هانیه بهمن آبادی

ایما زینلی

علیرضا فالاح

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، هراتا، هم میهن، اتحادیه آزاد کارگران ایران، تلگرام چند ثانیه)

همچنین در اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، محمدرضا بهزادپور، مجید نادری و حسین رشیدی توسط نیروهای امنیتی در کرمان بازداشت و پس از چند روز با تودیع وثیقه آزاد شده بودند.

منزل فروغ خسروی در بهبهان تفتیش شد



منزل خانم فروغ

خسروی، معلم

پایه ابتدایی ساکن

بهبهان توسط

ماموران اطلاعات

سپاه تفتیش شد.

در جریان این

بازرسی که با

خشونت همراه بوده، تلفن همراه این شهروند ضبط شد. ماموران با ایجاد فضای رعب و وحشت، منزل این معلم را مورد تفتیش قرار دادند. در زمان تفتیش، دختر خانم خسروی در خانه حضور داشت و این اقدام موجب ترس و وحشت شدید او شده است. چند روز پیش از تفتیش، خانم خسروی در یک گروه تلگرامی فرهنگیان درباره جنگ با برخی افراد مکالمه کرده بود. پس از این بحث، تماسهای تهدیدآمیزی از شماره های ناشناس با او گرفته شد. در برخی از این تماسها، با لحن تند و همراه با فحاشی، او را تهدید به بازداشت کرده بودند. فروغ خسروی، معلم پایه ابتدایی و دارای مدرک دکترای تعلیم و تربیت هستند. وی پس از اعتراضات ۸۸، از دانشگاه پیام نور بندر امام اخراج شد.

آمار نگران کننده از ترک تحصیل دانش آموزان

طبق آخرین اعلام مرکز آمار ایران، که روز ۱۹ تیر ۱۴۰۴ پوشش رسانه ای پیدا کرد، در سال تحصیلی سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ نرخ ترک تحصیل دانش آموزان به صورت کلی در مقطع تحصیلی متوسطه دوره اول ۶.۴۱ درصد اعلام شده که نسبت به سایر دوره ها بیشتر است؛ البته در مقابل مقطع متوسط دوره دوم کمترین نرخ ترک تحصیل دانش آموزان را به خود اختصاص داده است.

تجمع دکترومعلمان پذیرفته شده در دانشگاه فرهنگیان

روز سه شنبه ۲۴ تیر، دکترومعلمان پذیرفته شده در دانشگاه فرهنگیان برای اعتراض به عدم صدور احکام نهایی اعضای هیات علمی دست به تجمع مقابل ساختمان مرکزی این دانشگاه زدند. پس از گذشت بیش از ۴ سال از آغاز روند جذب، هنوز وضعیت شغلی حدود ۱۵۰ نفر از پذیرفته شدگان مشخص نشده است.

تجمع والدین دانش آموزان در تهران

روز شنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۴، شماری از والدین دانش آموزان، در اعتراض به نحوه برگزاری و نتیجه آزمون ورودی مدارس سمپاد، مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران تجمع کردند.

صدای خاموش معلمان زندانی



کوکب بدایغی پگاه فعال صنفی معلمان

معلمانی که به جای تخته سیاه، پشت میله های سرد و سنگین زندان ایستاده اند، داستانی از ایستادگی و فداکاری اند. آنها که به جرم تعلیم و تربیت، به جای کلاس درس، به بند کشیده شده اند، پیام آوران روشنائی اند در شبهای تاریک.

معلمانی که نه به دنبال منافع شخصی، که در پی شعله ور کردن آتش دانایی بودند، اکنون در زنجیر سکوت گرفتارند، اما صدای آنها خاموش نخواهد شد، زیرا که آموزه های شان ریشه در دل نسلاها دارد.

زندان نمی تواند شعور را زندانی کند، و ظلم نمی تواند کلمه حقیقت را دفن نماید.

هر بند که به پای یک معلم بسته می شود، هزاران دل به سوگ نمی نشیند، بلکه هزاران دل با قدرتی افزون تر به پا می خیزند.

ما ایستاده ایم در حمایت از آنانی که آینده را می سازند، در کنار معلمان زندانی؛ که صدای شان را باز خواهیم گرداند، و عدالت را فراموش نخواهیم کرد.

#هاشم_خواستار

#جوادلعلمحمدی

#محمدحسین_سپهری

#محمد_حسن پوره

#حجت_الله_رافعی

#ناهد_شیرپیشه

#فاطمه_تدریسی

#امان_جلالی_نژاد

#حسین_واحدی

#علیرضا_مرداسی

#ابوالفضل_خوران

صدور کیفرخواست پرونده ۹ فعال صنفی معلمان در کرمان

کیفرخواست پرونده شهناز رضایی، زهرا عزیزی، میترا نیک پور، فاطمه یزدانی، لیلی افشار، مجید نادری، محمدرضا بهزادپور، حسین رشیدی زرنندی و محمد مستعلی زاده، فعالان صنفی معلمان استان کرمان، صادر و جهت رسیدگی به شعبه اول بیدادگاه انقلاب این استان ارسال شد. اتهامهای مطرح شده علیه این افراد شامل توهین به مقدسات و مقامات، تبلیغ علیه نظام و اختلال در امنیت کشور از طریق عضویت در گروههای مخالف نظام عنوان شده است.

این فعالان صنفی معلمان در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۴۰۳، به بیدادسرای عمومی و انقلاب کرمان احضار شده بودند. در مهر ماه ۱۴۰۱ هم زهرا عزیزی، محمدرضا بهزادپور و حسین رشیدی به پلیس امنیت کرمان احضار شده بودند.

چند برگزیده شعر جهان (۵)

م. وحیدی

گابریلا میسترال؛ چهره‌ای جهانی، قلبی بومی
(۱۸۸۹-۱۹۵۷)

یکی از صداهای ماندگار شعر آمریکای لاتین، خانم «گابریلا میسترال»^[۱]، شاعر و آموزگار انقلابی، دیپلمات برجسته شیلی و برنده جایزه نوبل در این کشور است. او اولین زنی بود که در آمریکای لاتین «جایزه نوبل» گرفت و قبل از آن، «جایزه ادبی شیلی» را از آن خود کرده بود. گابریلا در روستایی فقیر در کوهستانهای آند به دنیا آمد. پدرش آموزگار بود. از همان کودکی به شعر و ادبیات روی آورد و در نوجوانی آموزگار شد. در سراسر آثارش تعهدی سوزان به عدالت، آزادی و سعادت انسان موج می‌زند. نوشته‌ها و شعرهایش، آمیزه‌ای از عشق، برابری، رنج و نجات انسان است. وی سالها با جریانهای انقلابی آمریکای لاتین همراه بود. او گفته بود: «شعرم از درد مردم زاده شده و برای مردم می‌سرایم». خانم گابریلا میسترال آموزگار «پابلو نرودا» شاعر شهیر شیلیایی بود و شاید در موفقیت او در شاعری نقش داشت.

سرود کارگر

من با دستانت جهانی را می‌سازم؛
با عرق پیشانی‌ام نان را می‌پرورم
و کسی که بر تخت نشسته
از تن من سلطنت می‌خرد؛
اما من زمین را می‌شناسم
و آفتاب را دوست دارم
و روزی خواهد آمد
که دیگر فرمان‌بر نباشم،
بلکه برادر باشم.

صدای مردم

صدای مردم دریاست؛

اول آرام می‌آید

بعد به دیوار قلعه می‌کوبد؛

اگر گوش ندادی.

صدای مردم می‌تواند توفان شود.

وی به‌خاطر دیدگاههای برابری‌جویانه، فمینیستی و ضد نظام، به عنوان عنصری محتاط و غیرقابل اعتماد شناخته شد و در کشورش طرد شده بود. بنابراین، بیشتر عمرش را در مکزیک، ایتالیا و آمریکا در تبعیدی خودخواسته گذراند و عاقبت در نیویورک درگذشت. بر روی سنگ مزارش چنین نوشته شده است: «من چیزی ندارم؛ جز عشق؛ نه تاجی خواستم، نه تختی».

زمین ما

این زمین ماست؛

اما چرا همیشه برای اربابان کار می‌کند؟

ما آن را با اشک شخم زده‌ایم

با خون آبیاری‌اش کرده‌ایم

و هنوز بی‌زمین مانده‌ایم.^[۲]ایلیز اوتا باگریانا؛ مادر شعر مدرن بلغارستان
(۱۸۹۳-۱۹۹۱)

ما زن‌ها صبر داریم؛

در سکوت

در انتظار

صبر داریم

تا دنیا را

در وقت خود

بسازیم.

خانم «الیساوتا باگریانا»^[۲] در صوفیه بلغارستان زاده شد و یکی از نخستین زنان شاعر این کشور در اوایل قرن بیستم است که جسورانه درباره استقلال زنان، عشق، آزادی و مبارزه نوشت. نماد زنی شجاع، روشنفکر و پیشگام در عرصه فرهنگ و ادبیات و مادر شعر مدرن بلغارستان. او در سال ۱۹۶۹ موفق به دریافت مدال طلا از انجمن ملی شاعران گردید.

شعر «با آهنگ شب، چرا؟» از نخستین تجربیات او، ساده، حساس و عمیق به شمار می‌رود. وی شعر را از هفده سالگی آغاز نمود و با چند جنبش ادبی، فرهنگی و عدالت‌خواهانه همکاری داشت. «زنی در خلسه» و... «دره سکوت» از دیگر مجموعه شعرهای او هستند. کتاب «جاودان و مقدس» وی، باگریانا را به شهرت رساند. او سردبیری چند نشریه ادبی را بر عهده داشت و آثارش به بیش از سی زبان ترجمه شده است. صدای او صمیمی، مستقل و گاه، عصیانگر است.

درخت بی صدا

درختی ایستاده در میان میدان

بی‌صدا و تنها.

ریشه‌هایش که بوی فقر می‌دهند

در خاک گم شده‌اند.

هیچ کس نمی‌بیند او را

هیچ کس نمی‌داند در دل شب

چگونه به زمین شکسته

هوا می‌بخشد

و در گوشه‌های تاریک شهر

مردان

قدرت را در دستان شان می‌چرخانند.

شاید روزی

برگهایش آتش بگیرند

و شعله‌ها

حقیقت را فریاد زنند.

زنان خاکی

زنان خاکی‌اند؛

دست‌هایشان پر از زمین

چشمان شان پر از خورشید.

آنها در دل شب

بذر زندگی می‌کارند؛

اما هیچ‌کس نمی‌بیند

در میان سیاهی

زنان همچنان ایستاده‌اند؛

ولی در درون شان

آسمان می‌سوزد.

زنان خاکی‌اند

دست‌هایشان پر از امید.

در سکوت شان

دنیای جدید ساخته می‌شود.

شعر او تصویری از فشارهای طبقاتی و ظلم بر زنان، مقاومت و پایداری ست. زنی که اگر چه سکوت کرده‌اند، اما نهایتاً «راه را روشن خواهند کرد»:

زنان از سکوت خود

نیرو می‌گیرند؛

اما

از رنج و سختی نمی‌ترسند.

این سکوت برایشان آشناست.

سکوت زنان،

چراغی ست که همیشه روشن می‌ماند

در دل تاریکی‌ها

و زمانی که همه چیز خاموش می‌شود،

آن‌ها

با سکوت‌شان راه را روشن می‌کنند.^[۴]

چند برگزیده شعر جهان (۵)

«هرگز»

هرگز نباید جهان را

به قاتلان تسلیم کرد.»

امه سه‌ز در مورد «هنر متعهد» گفته بود: «من با تمام معنی متعهد هستم و در پندار من نمی‌گنجد که یک هنرمند جهان سومی، متعهد نباشد. تعهد ضروری‌ست. من حتی از درک آن عاجزم که متعهد نباشم. من نمی‌توانم تصور کنم که هنرمند، تماشاچی و بی‌تفاوت نگاه کند... متعهد بودن برای یک هنرمند، یعنی ریشه عمیق داشتن در محیط اجتماعی خود، بدنه مردم بودن، دردهای کشور خود را با شدت تمام درک و بیان کردن.»

زندگی، شعر و نوشته‌های «امه سزر»، بخشی از تاریخ جهان است؛ جهانی نابرابر و ناعادلانه که کمر به نابودی همه ارزشهای بشری بسته‌ست. او روایتگر رنج و عصبانی بود که بر سیاهان می‌رفت. «سه سزر» همه‌جا خود را شریک غمها و شادیهای مردم دانسته و زندگی‌اش را وقف عدالت و انسانیت کرده بود:

ایمان دارم

«من به خاک افتادگان ایمان دارم

به دستان پینه‌بسته

به چشم‌هایی که می‌درخشند

حتی در تاریکی شب‌های اسارت»

جهان را دوباره باید ساخت؛

با خشم نجیب گرسنگان

با امید بی‌نام تبعیدیان.

دهانم

دهان بی‌صدایان خواهد شد.

صدایم

آزادی آنان

که در زندان‌های ناامیدی

فرو افتاده‌اند؛

آنگاه که کلمه‌ی عدالت را

تلفظ می‌کنم

می‌بینم

چگونه درختان

شاخه‌هاشان را

به سوی آفتاب دراز می‌کنند.^[۶]

پانویس

[۱] Gabriela Mistral

[۲] گزیده اشعار / شب زنبیل سیاهی‌ست، گابریلا

میسترال، ترجمه‌ی فؤاد نظیری، تهران، انتشارات

مروارید، ۱۳۸۳

[۳] Elisaveta Baqryana

[۴] گزیده سروده‌ها، ایساوئا باگریانا، انتشارات

پژوهنده، مجتبی میثمی، ۱۳۸۵

[۵] Aime Fernand David Cesaire

[۶] گزیده اشعار و بازگشت به زاد بوم، محمود

کیانوش، سال ۱۳۵۴، انتشارات آگاه

جنایتی در حال وقوع است

سعید ماسوری



از صبح با هزار و یک ترفند تهدید و تطمیع و قسم‌های آن‌چنانی تلاش در انتقال این جانب داشتند. قدر مسلم این‌که، این شیوه کار (آدم‌ربایی در زندان به اسم انتقال) به هیچ‌وجه تنها معطوف به اینجانب نبود و نیست و اساساً برای کنترل، منزوی‌سازی و بی‌صدا کردن زندانیان صورت می‌گیرد.

انتقال یا عدم انتقال هم مطلقاً موضوع منازعه نیست بلکه تنها برای سرکوب، سرکوب و باز هم سرکوب بیشتر است و اصرار بر کشتار و اعدام‌های بیشتر! درست همان‌طور که در سال ۶۷ واقع شد و امروز هم بیم آن می‌رود که همان مسیر با زبان و شیوه دیگر تکرار شود، آن زمان نامش کمیته مرگ بود و امروز «آتش به اختیار» ولی این سرکوب گسترده و تشدید اعدام‌ها نه نشانه اقتدار که اعترافی به درماندگی حاکمیت در برابر حقیقت و اراده مردم است و بر همین سیاق آن «آتش به اختیار» هم جز تلاش برای پوشاندن، عمق نفوذ، پوسیدگی و فروپاشی ساختاری حاکمیت نیست! که می‌خواهند با تقاص گرفتن از مردم ایران و زندانیان آنها، جبران‌شان کنند.

خودداری اینجانب از پذیرش "انتقال" از تبعیدگاه قزل‌حصار به تبعیدگاه دیگر نه از سر ترس از جابه‌جایی و انتقال است و نه توهم این‌که ما چند زندانی می‌توانیم جلوی این اعمال غیرقانونی را بگیریم بلکه تنها و تنها از آن جهت است که مثل سال ۶۷ قتل‌عام در سکوت و بی‌خبری صورت نگیرد و به تمامی در برابر چشمان تاریخ و وجدانهای بیدار باشد! آری، بگذار این‌بار جهان بشنود که «جنایتی در حال وقوع است» و البته مقاومتی در برابر آن! ولو این‌که این تفاوتی تنها منجر به یک هشدار و هشیار باش برای مردم ایران و جهان بشود که «جنایتی در حال وقوع است!» صبراً بنی‌الکرام!

آنچه که به شخص من به‌عنوان یک زندانی سیاسی هوادار مجاهدین خلق برمی‌گردد، به ویژه در ایام محرم و در معرض پیام جاودانه امام حسین، می‌خواهم تصریح کنم که آن خونی که از فرزند ایشان به هوا پرتاب شد، کماکان در حال فرو چکیدن بر ما ایرانیان، شیعیان و پیروان اوست و هیئات اگر با این زندان و تبعید و اعدام‌ها گامی در آن سیر آزادی و آزادگی به عقب برداریم حتی اگر کشتار همه ما تنها در حد خبری باشد که از روز واقعه خبر دهد و اجازه ندهد که جنایتی به سکوت برگزار گردد!

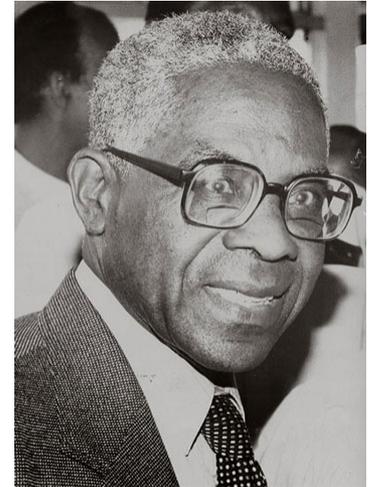
زهی شرف و سعادت اگر به این میهن و مردمان تنها آماده باشی داده باشیم و تنها هشداری، اگر چه به قیمت جانمان! که ایران و ایرانی از اسطوره‌هایش سیاوش و و آریو برزن و حماسه‌های فردوسی، چیزی جز پایداری و ایستادگی نیاموخته و چه افتخار بی‌مانندی که هم از ایشان الهام گرفته و آموخته‌ایم و هم از اسلام رهایی‌بخش و پیامبر رحمت و اسطوره‌ها و اصحاب وی که تزول الجبال ولاتزل

الحمدلله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لو لا ان هدینا الله

سعید ماسوری

تیر ماه ۱۴۰۴

mojahedin.org



«من سرسختانه باور دارم

که عدالت

در انتهای شب سیاه

خواهد شکفت.»

(از مجموعه «کلمات سیاه»)

نام اصلی‌اش «امه فرناند داوید سه‌زرا»^[۵] بود که با نام مختصر «امه سه‌ز» شناخته می‌شد. شاعر، نویسنده، سیاستمدار و اندیشمند خلاق آفریقایی‌تبار، که در جزیره مارتینیک (از مستعمرات فرانسه، در دریای کارائیب) زاده شد.

«بازگشت به زاد و بوم»، اولین دفتر شعرش بود که در سال ۱۹۳۲ منتشر کرد. در نوزده سالگی سردبیری نشریه «دانشجوی سیاه» را برعهده گرفت که سبک و سیاق نویسنده‌ی راه، با نگاهی منتقدانه آموزش می‌داد. بعدها که با «آندر برتون» آشنا گردید، تحولی عمیق در سبک و روش نوشتنش پدید آمد. علاوه برصداها مقاله، چهارده کتاب شعر و نمایشنامه نوشت؛ انتشار مجله ادبی «تروویک» (۱۹۴۱)، ایجاد «بنیاد دانشجویان سیاه‌پوست»، حمایت از جنبشهای آزادیبخش جهان — از جمله «حمایت از جنبش مقاومت ایران» — از دیگر فعالیت‌های او بودند. وی سالها با پشتیبانی حزب کمونیست فرانسه، شهردار «فور دو فرانس» و نماینده «مجلس ملی» مارتینیک بود.

«سلاح جادویی» (۱۹۴۶)، «آسمان شکافته شد» (۱۹۴۸)، «من نازک‌تر از گل» (۱۹۸۲)، نمایشنامه «توفان» و... فصلی در کنگو (بازخوانی نخست‌وزیری شش ماهه پاتریس لومومبا) از دیگر آثار گرانقدر او شمرده می‌شوند. زبان شعرش (برخاسته از سوررئالیسم)، اعتراضی و تقدس عدالت و رستگاری انسان است و ظالمان و جنایتکاران، همه‌جا در تیررس قلم او هستند:

شرکت فعالان سچفخا در کنفرانس سوسیالیسم ۲۰۲۵ - شیکاگو

لیلا جدیدی

عضو نایاک است، آیا این درست است؟ در همین زمان رو به شرکت کنندگان کرده و نایاک و رابطه آن با رژیم ایران را توضیح دادم. در پاسخ کاتبی تایید کرد که عضو نایاک است، اما ادعا کرد که نایاک لابی رژیم نیست. دیگر سخنران پتل که متعجب شده بود، تاکید کرد از عضویت وی در نایاک بی خبر بوده است. خانم کاتبی که سعی داشت فعالیتهای اتمی جمهوری اسلامی را صلح آمیز جلوه بدهد، در واکنش به روشنگری من در باره آخرین گزارش آژانس که در آن دقیقاً این موضوع زیر سؤال رفته است، به کلی منکر گزارش آژانس شد و گفت که آژانس چنین ادعایی نکرده است. وی در ادامه و در حالی که در پی افشا شدن هوشش نیازی به پنهانکاری نمی دید، استدلال کرد اسرائیل و آمریکا سلاح هسته ای دارند، بنابراین جمهوری اسلامی هم باید داشته باشد!

روشن است که برای افشاگری بیشتر، ما با سازماندهندگان کنفرانس در ارتباط خواهیم بود و مدارک بیشتری در مورد رابطه رژیم و نایاک را در اختیارشان قرار خواهیم داد.

اما از دیگر نکات قابل ذکر، گفتگوی کوتاه من با یک هنرمند، کارگردان، هنرپیشه، ترانه سرا و خواننده فعال رادیکال چپ بنام بوتز رالی بود که در سخنرانی وی نزدیک به ۵۰۰ نفر شرکت کرده بودند. او می گفت که موسیقی تاثیر کارآمد و انگیزاننده ای برای انقلاب دارد و باید پیامهای بسیار رادیکال داشته باشد. من در این مصاحبه شرایط هنرمندان ایرانی را توضیح دادم و از توماج و شروین گفتم که به خاطر ترانه های تاثیر گذارش حکم زندان و اعدام گرفتند. وی گفت که برای او حتی تصور این شرایط هم دشوار است و افزود مقابل این هنرمندان سر تعظیم فرو می آورد، فعالیت آنها بسیار دلاورانه و تحسین برانگیز است.



افزود مقابل این هنرمندان سر تعظیم فرو می آورد، فعالیت آنها بسیار دلاورانه و تحسین برانگیز است.

پانویس

(۱) کنفرانس سوسیالیسم در شیکاگو به طور عمده توسط کتابخانه هیمارکت Haymarket Books که یک شرکت تعاونی غیرانتفاعی متعلق به کارگران شیکاگو است، سازماندهی می شود. این کتابخانه نقش کلیدی در ترویج ایده های سوسیالیستی و انتشار آثاری در مورد سوسیالیسم، مارکسیسم و سیاستهای چپ دارد.

یکی دیگر از سپانسرهای این کنفرانس، سازمان «سوسیالیستهای دمکرات آمریکا» است که بیش از ۹۰ هزار عضو دارد. فعالیت این سازمان، ترویج سوسیالیسم دموکراتیک و حمایت از پیشبرد سیاستهای مترقی در ایالات متحده است. آنها حضور پررنگی در شیکاگو دارند.

(۲) حامیان کنفرانس شامل طیف گسترده ای از سازمانها و نشریات چپ، از جمله سازمانهای سیاسی - مدنی که بر حقوق کارگران، عدالت نژادی، تغییرات اقلیمی و مسائل فمینیستی تمرکز دارند می باشد. برخی از شرکت کنندگان برجسته عبارت بودند از:

«شیکاگو برای حق سقط جنین» که میزبان یک جلسه استراتژی عدالت باروری در طول کنفرانس بود. سپانسر دیگر، "پروژه بزرگداشت شورش نژادی شیکاگو" در سال ۱۹۱۹ بود که یک تور دوچرخه سواری تاریخی ترتیب داد. این پروژه، بزرگداشت ۳۸ قربانی شورش نژادی شیکاگو است که در صدمین سالگرد شورش آغاز شد و هدف آن این است که با استفاده از نمادهای هنری تاریخ این رویداد را زنده نگه دارد و آموزشهایی در باره نژاد پرستی و خشونت بدهد.

همچنین «ژاکوبین»، یک مجله سوسیالیستی که مقالاتی در مورد کنفرانس و شرکت کنندگان آن منتشر کرده است.

شهر شیکاگو امسال نیز مانند سالهای گذشته میزبان «کنفرانس سوسیالیسم»^(۱) با شرکت بیش از دو هزار نفر بود. کنفرانس طی چهار روز از ۳ تا ۶ ژوئیه برگزار گردید که در طول آن ۱۶۰ جلسه شامل دهها پنل، سخنرانی و کارگاه آموزشی بر پا داشته شد. این جلسات توسط گروههایی از سراسر آمریکا^(۲) سازماندهی شده بود. کنفرانس در سالهای اخیر بر مسایل و موضوعات اجتماعی در آمریکا تمرکز دارد و تلاش آن بیشتر در جهت سازماندهی و آموزش جوانان است.



در کنفرانس چهار روزه شیکاگو، بسیاری سوسیالیستها و فعالان رادیکال از سراسر آمریکا گرد هم آمده بودند تا در بحثهایی با سرفصل جنبشهای اجتماعی، مارکسیسم، استعمار زدایی و تاریخ طبقه کارگر شرکت کنند.

محور دیگر گفتگوها، بررسی مباحث و استراتژیهای سازماندهی گرد مسایل روز بود که موضوعاتی همچون همبستگی با فلسطین، مبارزه برای آزادی جنسیتی، اعتصاب کارگران، مبارزه برای جلوگیری از نابودی کره زمین، مبارزه با نژادپرستی، عدالت برای مهاجران و موارد مشابه را در برمی گرفت. کنفرانس با گفتگوها و کارگاههایی در طول چهار روز، به یاری نویسندگان و متفکران چپ، مسائل و مباحث چپ امروز را به بحث می گذاشت و در کنار آن جلساتی نیز در مورد تاریخ مبارزات طبقه کارگر و سوسیالیستها برگزار می شد.

فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیز در این روزهای پرهیجان و پرهیاهو با شرکت در این کنفرانس و گفتگو با برخی از شرکت کنندگان و سازماندهندگان، پیرامون مسایل مربوط به ایران و مبارزات مردم علیه استبداد، ستم سیستماتیک و جنایتهای رژیم ج.ا. به افشگری و آگاهی دهی پرداختند. همچنین، نشریه ای به زبان انگلیسی که شامل شمار رو به افزون اعدامها، شرایط نابسامان کارگران و نیروهای کار در ایران و بالاگرفتن خشونت علیه مردم ایران هنگام و پس از جنگ رژیم، اسرائیل و آمریکا بود را در اختیار شرکت کنندگان قرار دادیم. این نشریه بخشی از بیانیه شماره یک سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درباره جنگ ارتجاعی اسرائیل - ج.ا. را در خود داشت که در آن از جنگ تحمیل شده به مردم ایران از سوی خامنه ای و فراخوان تبدیل آن به مبارزه انقلابی برای سرنوشت رژیم سخن گفته شده بود.

یک نکته قابل ذکر آنکه همه افرادی که با آنها گفتگو داشتیم، از جمله برخی از سخنرانان سازماندهندگان قدیمی (با سازماندهی جدید کنفرانس، عمدتاً جوانان آنر پیش می بردند)، از شرایط وخیم مردم ایران تحت حکومت استبدادی - مذهبی جمهوری اسلامی آگاه و مطلع بودند. با این حال، جمهوری اسلامی از کانال مزدوران صادراتی خود که زیر نام «نایاک» سازماندهی شده اند و مزورانه با چهره مخالف به تجمعات اعتراضی فعالان در آمریکا نفوذ می کنند، در اینجا نیز در یکی از پنلهای سخنرانی و پرسش و پاسخ با عنوان «از زن زندگی آزادی تا بمب بمب»، موزیانه راه خود را زیر پوشش حمایت از جنبش زن زندگی آزادی باز کرده بود. یک سخنران اصلی این پنل هدا کاتبی بود و دیگری یک آمریکایی، بیل ایرس، جلسه را پیش می برد. شایان ذکر است که چند ساعت پیش از سخنرانی، ما پیشنهاد هدا کاتبی را چک کردیم و عضویت وی در نایاک بر ما مسلم شد. از همین رو با سازمانده اصلی پنل صحبت کردیم و سابقه او و همکاری با نایاک و رابطه آن با جمهوری اسلامی را روشن کردیم. او که هیچگونه اطلاعی از این موضوع نداشت، با ذکر اینکه امکان لغو سخنرانی در این زمان را ندارد، قول داد با دیگر سازماندهندگان مطرح کند.

من با چهار پرسش که بیشتر جنبه افشای هویت و وابستگی سیاسی خانم کاتبی را داشت، پشت میکروفن رفتم. یکی از سوالها این بود که با تحقیق در سابقه وی پی برده ام ایشان

زنان در مسیر رهایی (تیر ۱۴۰۴)

اسد طاهری

محرومیت ۸۰ درصد زنان افغانستان از آموزش



در گزارشی تحت عنوان «شاخصه جنسیت در افغانستان» وضعیت توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی در این کشور پس از تصرف قدرت توسط طالبان را بررسی کرده است. این گزارش با بیان این که افغانستان «دومین شکاف بزرگ جنسیتی» در جهان را دارد، افزوده است که در دسترسی زنان و مردان در عرصه‌های صحیح، تعلیم و تربیه، مشارکت مالی و تصمیم‌گیری «نابرابری ۷۶ درصدی» وجود دارد. در این گزارش که با حمایت مالی اتحادیه اروپا تدوین شده، آمده است که ۷۸ درصد زنان جوان افغانستان از تحصیل، اشتغال و آموزش محروم اند که چهار برابر بیشتر از مردان است.

وضعیت زنان این کشور این چنین اعلام می‌شود: «طالبان زندگی را بر ما زنان حرام کرده‌اند.»

بخش زنان ملل متحد هشدار داده که به دلیل ممنوع شدن آموزش ثانوی برای دختران و زنان به شمول آموزشهای طبی، میزان دختران فارغ از آموزشهای ثانوی به زودی به صفر سقوط می‌کند.

سیمما بحوث، رئیس بخش زنان ملل متحد گفته است: «بزرگ‌ترین منابع افغانستان زنان و دختران آن است. قابلیت‌های آنها دست نخورده باقی مانده، اما آنها استقامت می‌کنند... ما در تلاشهای آنها برای کشوری که بازتاب‌دهنده حقوق آنها و آرزوهای همه افغانستانیها باشد، باید در کنارشان می‌ایستیم.»

جامعه جهانی و تبعیض شدید علیه زنان در افغانستان



شماری از فعالان حقوق بشر، به رهبری ملاله یوسفزی، از کشورهای جهانی خواسته‌اند که تبعیض جنسیتی در افغانستان را به عنوان یک جرم بین‌المللی اعلام کنند و برای توقف آن اقدامی هماهنگ انجام دهند. آنان تأکید کردند که اقدامات محدود کننده بر زنان در رژیم طالبان نمونه واقعی تبعیض ساختاریافته و برنامه‌ریزی شده است.

در بیانیه ای مشترک، این گروه از کشورهای اسلامی خواسته‌اند تا موضعی قاطع و شفاف در برابر نقض حقوق زنان در افغانستان اتخاذ کنند.

فعالان حقوق بشر با استناد به وضعیت موجود در افغانستان، از نهادهای بین‌المللی خواسته‌اند پاسخ جدی به این وضعیت ارائه دهند. به باور آنان، شناسایی حقوقی تبعیض شدید علیه زنان می‌تواند گامی مؤثر در جهت فشار دیپلماتیک و حمایت از حقوق اساسی زنان در افغانستان باشد.

چگونه قاتلان، قتل زنان را توجیه می‌کنند



قاتلان زنان با عباراتی همچون «بی‌حیایی» یا عدم رعایت «الزامات اسلامی» جنایت خود را توجیه می‌کنند. در این شیوه قاتلان تلاش دارند، همدلی بیشتری برای خود ایجاد کنند.

جسد الهه حسین‌نژاد، زن ۲۴ ساله ای بود که خبر مفقود شدن او در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، هفته گذشته در بیابانهای اطراف تهران پیدا شد و پلیس اعلام کرد که قاتل را نیز دستگیر کرده است. متهم به قتل در بخشی از اعترافاتش گفته است که او «بی‌حیا بود». این نوع اعتراف بی‌سابقه نیست. هم‌زمان با کشف جسد الهه، هائیه بهبودی پور، ورزشکار ۲۳ ساله توسط همسرش کشته شد. او نیز ظاهر همسرش در شبکه‌های اجتماعی را یکی از دلایل قتل اعلام کرد. سعید حنایی، قاتل ۱۶ زن در مشهد نیز سبک زندگی قربانیان را عامل جنایات خود معرفی کرده بود. دلیلی که با اعتقادات مذهبی گره می‌خورد.

نابرابری جنسیتی در بازار کار ایران



مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری زنان در سال ۱۴۰۳ خورشیدی را ۱۴.۳ درصد اعلام کرد. این نرخ بیکاری در مقایسه با سال قبل از آن، ۰.۷ واحد درصد بهبود داشته، این بهبود نرخ بیکاری زنان قاعدتا باید مایه خوشحالی باشد، اما این تنها ظاهر ماجراست.

واکاوی لایه های عمیق تر داده های بازار کار ایران در سال ۱۴۰۳، تصویری متفاوت ارائه می‌کند، به طور مثال نرخ بیکاری زنان در سال گذشته به ۲.۳ برابر نرخ بیکاری مردان رسیده در حالی که این نسبت در سال ۱۴۰۲، رقمی کوچک‌تر و کمتر از دو برابر بود.

افزایش این نسبت به معنای تعمیق شکاف بیکاری بین مردان و زنان در سال ۱۴۰۳ است، ضمن آنکه پارسال نرخ بیکاری

زنان، ۱.۸ برابر نرخ بیکاری کل بود که ۷.۶ درصد گزارش شده است.

بر اساس این داده ها، جمعیت در سن کار ایران (جمعیت ۱۵ ساله و بیش تر) در سال ۱۴۰۳ با افزایش ۷۸۶ هزار و ۴۲۸ نفری به ۶۵ میلیون و ۳۳۸ هزار و ۲۸۰ نفر رسید.

با این حال جمعیت زنان فعال یعنی کسانی که آماده کار کردن بوده و برای یافتن شغل به بازار کار مراجعه کردند، در سال ۱۴۰۳ در مقایسه با سال قبل از آن، فقط ۲۲ هزار و ۳۲۸ نفر اضافه شده است، در عوض جمعیت غیر فعال در میان زنان در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال قبل از آن بیش از ۳۸۲ هزار نفر اضافه شده به این معنا که این زنان به سن کار رسیده به دلایل مختلفی از جمله ادامه تحصیل یا ناامیدی از یافتن کار، اصلا به بازار کار مراجعه نکرده‌اند و خانه‌نشین شده‌اند.

این وضعیت باعث شده تا نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال گذشته ۱۴.۱ درصد برآورد که حتی اندکی کمتر از قبل است.

نرخ مشارکت اقتصادی، بیانگر نسبتی از جمعیت در سن کار است که به لحاظ اقتصادی فعال محسوب شده و آماده کار کردن است و برای یافتن کار به بازار کار مراجعه می‌کند. آن بخش که کاری دست و پا می‌کنند جزو جمعیت شاغلان و آن دسته که دستشان از یافتن کار و شغلی، خالی می‌ماند به خیل بیکاران اضافه می‌شوند.

درحالی نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال گذشته ۱۴.۱ درصد اعلام شد که این نرخ برای مردان، ۶۸.۱ درصد گزارش شد، مقایسه این دو عدد و اختلاف قابل توجه بین آنها، به خوبی بیانگر شکاف عمیق جنسیتی در بازار کار ایران است. نرخ مشارکت اقتصادی مردان در سال گذشته تقریباً ۴۸ برابر بیشتر از نرخ مشارکت اقتصادی زنان بود.

مقایسه نرخ مشارکت اقتصادی زنان از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ نیز نشان می‌دهد پس از فراگیری بحران کرونا، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در محدوده ۱۳ تا ۱۴ درصد در نوسان است و حتی فاصله گرفتن از آن بحران نیز باعث شده تا نرخ مشارکت اقتصادی ۱۷ درصدی سال‌های پیش از پاندمی، تکرار شود.

تغییر دین یک زن مسلمان به رسمیت شناخته شد

دادگاه عالی لاهور در حکمی بی سابقه، به زنی که ۱۵ سال پیش به مسیحیت گرویده بود اما مقامات از صدور کارت شناسایی ملی برای او خودداری می‌کردند، حق دریافت کارت شناسایی با هویت مسیحی را اعطا کرد. این تصمیم، پس از سالها مبارزه حقوقی، نقطه‌عطفی در مبارزه برای آزادیهای مذهبی در پاکستان محسوب می‌شود.

بر اساس این حکم، وی به عنوان یک شهروند مسیحی به رسمیت شناخته خواهد شد. این حکم به دلیل امتناع مقامات ثبت احوال از به رسمیت شناختن تغییر دین او صادر شده است. تابش ناز، ۳۵ ساله، که در سال ۲۰۰۹ در یک کلیسا با خرم شهزاد، یک شهروند مسیحی پاکستانی، ازدواج کرده است، بارها تلاش کرده بود تا ایمان مسیحی خود را در مدارک هویتی‌اش ثبت کند، اما هر بار با موانع زیادی مواجه شده بود.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۰

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام اسامی ۶۳ تن از زندانیان اعدام شده از اول تا ۳۱ تیر

- ۱ تیر: مجید مسیبی
 ۲ تیر: محمدمین مهدوی شایسته
 ۳ تیر: عظیم محمدی، حسن رستم نژاد و طلعت سبزی در زندان قم/ حبیب سلیمانی زندان اراک
 ۴ تیر: ۳ تبعه کشور افغانستان به نامهای مسعود جعفری، مان ماهینی و ؟ در زندان وکیل آباد مشهد/ تدریس عالی، آزاد شجاعی و رسول احمد رسول در زندان ارومیه
 ۷ تیر: بابک مصطفوی زندان نیشابور
 ۹ تیر: احمدرضا دیدبان، مظفر نجاری زندان عادل آباد شیراز
 ۱۶ تیر: امین خسروی و سعید اسدزاده زندان تبریز/ جواد یاریگی زندان اراک
 ۱۷ تیر: مجید رحمانی زندان سپیدار اهواز/ یوسف پارسا و یک نفر دیگر در زندان قزوین/ علیرضا باقری، مهران حبیبی و اسماعیل والی پور در زندان زنجان
 ۱۸ تیر: امین شکری پور، عبدالحسین جابری و سعید مهرابی زندان کرج/ جعفر خوش کلام زندان لاگان رشت/ احمدعلی مهدی نژاد زندان نهاوند/ مراد حسن منصوره زندان ملایر/ محمد طیب عبداللهی و ناصر کاظم زاده در زندان عادل آباد شیراز
 ۲۱ تیر: یک زندانی در بوکان در ملا عام/ جلال نظریبکی و علی میرزا بهرامی در زندان ملایر
 ۲۲ تیر: حمید یآوری زندان همدان/ مصیب سگوند زندان خرم آباد/ عباس علی جهانگردی جهانگیری زندان ساری
 ۲۳ تیر: محمدجواد کاظمی زندان اراک/ قاسم عزیزی زندان بیرجند
 ۲۴ تیر: کیانوش خسروی و حامد جلیلیان زندان دیزل آباد کرمانشاه
 ۲۵ تیر: پیمان افشار، هادی گروسی و مهدی بابایی زندان لاگان رشت/ وهاب حیدری و مولان عبدالعزیز خانی در زندان چوبیندره قزوین/ عباس زارع در زندان مرکزی کرج
 ۲۸ تیر: محمد و علی رضا اشتراک و یک زندانی دیگر در گرگان/ داوود امانی زندان زنجان/ پرویز سرلک و محمد احمد خانی زندان الیگودرز
 ۲۹ تیر: داریوش شه بخش، عبدالجلیل کرزهی و نعمت‌الله شهناوی در زندان زاهدان
 ۳۰ تیر: خدابخش سپهری در زندان لاگان رشت/ محمدجواد زارع در زندان اراک

هرانا: اسامی ۵۶ زندانی سیاسی یا امنیتی زیر حکم ظالمانه اعدام
<https://www.hra-news.org/periodical/a-194>



وریشه مرادی، پخشان عزیزی، اکبر دانشور کار، سید محمد تقوی سنگدهی، بابک علیپور، پویا قبادی بیستونی، وحید بنی‌عامریان، سید ابوالحسن منتظر، عیدو شه‌بخش، عبدالغنی شه‌بخش، عبدالرحیم قنبر زهی گرگیج (رحیم میربلوچ)، سلیمان شه‌بخش، میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیرمحمد خوش اقبال، نوید نجاران، حسین نعمتی، علیرضا برمرزپورناک، بهروز احسانی، مهدی حسنی، حاتم اوزدمیر، محراب (مهران) عبدالله زاده، فرشید حسن زهی، محمد زین الدینی، ادهم نارویی، محمدجواد وفایی ثانی، عباس دریس، احمدرضا جلالی، یوسف احمدی، محمدمهدی سلیمانی، علی مجدم، محمدرضا مقدم، معین خنفری، عدنان غیبشایوی، سالم موسوی، حبیب دریس، عیسی عیدمحمدی، مالک داورشناس (سید مالک موسوی)، علی عیدادی، سامان محمدی خیاره، امیر رحیم پور، امیرحسین مقصدولو (تتلو)، زرگار بیگ زاده بابامیری، پژمان سلطانی، علی (سوران) قاسمی، کاوه صالحی، تیفور سلیمی بابامیری، منوچهر فلاح، پیمان (مهران) فرح آور، شریفه محمدی، روزبه وادی، شاهین بسامی، افشین قربانی میشایی، مسعود جامعی، علیرضا مرداسی، فرشاد اعتمادی‌فر

به گفته او، مقامات اداره ثبت احوال حتی او را به دلیل ترک اسلام مورد سرزنش قرار داده بودند.

این حکم، تابش ناز را به اولین زنی تبدیل می‌کند که تغییر دینش در سوابق دولت پاکستان به رسمیت شناخته می‌شود. لازار الله رخا، وکیل ناز، این حکم را نقطه عطفی برای آزادی مذهبی خواند و تأکید کرد که طبق قانون اساسی پاکستان، تغییر دین جرم نیست. وی همچنین به ترس نوکیشان مسیحی از انتقام و فشار جامعه اشاره کرد و افزود که بسیاری از مسیحیان برای محافظت از خود سعی در تغییر مدارک شناسایی خود نمی‌کنند.

در حالی که ارتداد به طور مستقیم در قانون پاکستان مجازات ندارد، برخی تفاسیر قانون اسلامی آن را مستوجب مجازات اعدام می‌دانند. فعالان حقوق بشری نسبت به ادامه خشونت‌ها علیه مسیحیان و تغییر دین داران ابراز نگرانی کرده‌اند و خواستار حمایت‌های قانونی بیشتر برای کسانی که حق انتخاب دین خود را دارند، شده‌اند. رهبران مسیحی این حکم بی سابقه را «نعمتی از جانب خدا» توصیف کرده و ابراز امیدواری کردند که منجر به بهبود وضعیت زندگی برای نوکیشان مسیحی پاکستانی دیگر شود.

تمجید از متجاوزان و عقب نشینی از حقوق زنان



تجاوز چند ورزشکار ایرانی که برای مسابقات قهرمانی آسیای دو و میدانی در کره جنوبی به سر می‌بردند، به یک دختر ۲۰ ساله کره جنوبی، خبرساز شد. به گفته پلیس کره، ورزشکاران در بازداشت به سر می‌برند.

این خبر واکنش‌های مختلفی در فضای رسانه‌ای ایران داشت. در حالی که بخشی از جامعه، این رفتار را تقیب می‌کردند، جواد کاظمیان، فوتبالیست، آن را رفتاری عادی جلوه داد که نباید بزرگ نمایی شود و هم‌زمان، آیسان اسلامی، بلاگر، از رفتار ورزشکاران ایرانی دفاع کرده و آن را افتخارآمیز دانسته است.

استفاده طالبان از شوک برقی برای بازداشت زنان



منابع و شاهدان گفته‌اند که نظامیان طالبان برای بازداشت زنان و تطبیق حجاب اجباری از شوک برقی استفاده می‌کنند. در این گزارش دستکم سه روایت از زنان قربانی و شاهدان عینی آمده است.

که می‌گویند، طالبان به محض مقاومت زنان هنگام بازداشت، متوسل به خشونت از جمله استفاده از شوک برقی می‌شوند. قبلاً نیز زنان معترض و زندانیان پیشین طالبان استفاده از شوک برقی توسط ماموران طالبان را تأیید کرده‌اند.

استفاده از شوک برقی در اسناد نهادهای بین‌المللی دفاع از حقوق بشر برای تنبیه، اعتراف‌گیری، بازداشت غیرقانونی یا در برابر معترضان بی‌سلاح، زنان و کودکان نقض جدی حقوق بشری به شمار می‌رود.

طبق قوانین پیرامون رفتار پلیس در سطح بین‌الملل، استفاده از شوک برقی توسط پلیس شرایط خاص دارد. از جمله پلیس زمانی می‌تواند دست به چنین کاری بزند که فرد مهاجم یا مظنون در حال حمله مسلحانه باشد.

اما منابع می‌گویند، افراد طالبان زنان را با شکنجه و استفاده از شوک برقی بازداشت می‌کنند که نه تهدیدی برای افراد طالبان هستند و نه اتهام جدی علیه آن‌ها وجود دارد.

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: دویچه‌وله، یورونیوز، خبرگزاری شان، خبرگزاری زن، رسانه رخسانه)

دانشگاه در ماهی که گذشت (تیر ۱۴۰۴)

کامران عالمی نژاد

روز شنبه ۷ تیر ماه ۱۴۰۴، نیروهای امنیتی با یورش به محل کار این استاد دانشگاه در دانشگاه پرستاری مهاباد، وی را بدون ارائه حکم قضایی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند.

با وجود پیگیریهای خانواده سید کمال ابراهیمی از مراجع قضایی و امنیتی، تاکنون هیچ پاسخی در خصوص دلایل بازداشت، اتهامات مطروحه یا وضعیت سلامت او ارائه نشده است.

برکناری زودهنگام ریاست دانشگاه مدنی تبریز



محمدباقر محمدصادقی آزاد پیش از پایان حکم از ریاست دانشگاه مدنی تبریز برکنار شد. گزارشی از سروکوب ۲۵ سال گذشته در دانشگاه مدنی - آزادیان

فراستاد دانشگاه مدنی مناسدی بود که بدون داشتن هیچ تجربه مدیریتی مشخصی به صورت ناگهانی سمت مسئول بسیج اساتید، جنس اعتراضات آبان ۱۳۹۱ و اعتراضات ۱۴۰۱ را بر عهده گرفت. در عنوان سرپرست ریاست دانشگاه منسوب و ماندنی شد، طبق توییت سخنگوی وقت وزارت علوم علی شمس‌پور هدف از گماشتن وی برخورد «مقتدرانه با قانون شکنان» و یا به عبارت بهتر سروکوب فعالان دانشجویی بود.

محمد باقر محمدصادقی آزاد از اساتید دانشکده فنی مهندسی بود که بدون داشتن هیچ تجربه مدیریتی مشخص به صرف داشتن سمت مسئول بسیج اساتید، در جریان اعتراضات زن زندگی آزادی در سال ۱۴۰۱ به عنوان سرپرست ریاست دانشگاه منسوب و ماندنی شد، طبق توییت سخنگوی وقت وزارت علوم علی شمس‌پور هدف از گماشتن وی برخورد «مقتدرانه با قانون شکنان» و یا به عبارت بهتر سروکوب فعالان دانشجویی بود.

صادقی آزاد در بدو ورود با تعلیق غیرقانونی و بدون حکم بیش از ۲۰ تن از دانشجویان، فضای دانشگاه را امنیتی کرد و با جلوگیری از ورود تعدادی از دانشجویان به داخل دانشگاه، زمینه بازداشت آنها را فراهم کرد، سپس برای تفکیک جنسیتی رستوران میزبان و بوفه دانشکده علوم پایه در آذر ۱۴۰۱ اقدام کرد و با دستور وی این رستوران پلمب شد، همچنین با وجود برگزاری انتخابات شورای صنفی، به دلیل این که برگزیدگان این انتخابات مورد تایید وی نبودند، شورای صنفی را معلق کرد. در زمستان ۱۴۰۱ و بهار ۱۴۰۲ با تشکیل پرونده انضباطی برای بیش از ۱۰۰ تن از دانشجویان اقدامات سروکوب‌گرانه را پیش برد و احکامی چون تعلیق، محرومیت از تحصیل و انحلال برخی از انجمنهای علمی را امضا و ابلاغ کرد.

در پاییز ۱۴۰۲ با همکاری نهادهای فراقانونی و امنیتی، تعدادی از دانشجویان در داخل دانشگاه به صورت خشونت آمیزی بازداشت شدند و برخی از آنها مجبور به انصراف از تحصیل و اخذ مرخصی اجباری و حتی اخراج از دانشگاه شدند. در زمستان ۱۴۰۲ و بهار ۱۴۰۳ و همچنین پاییز ۱۴۰۳ روند بقیه در صفحه ۱۳

درخواست دانش آموختگان دانشگاه علم و صنعت برای آزادی فعال سابق دانشجویی



۱۴۰ نفر از دانش آموختگان دانشگاه علم و صنعت ایران روز یکشنبه ۸ تیر ۱۴۰۴، در بیانیه‌ای ضمن ابراز نگرانی از وضعیت حمید بیدار، فعال سابق دانشجویی، خواستار آزادی فوری و لغو حکم زندان وی شدند.

این دانش آموختگان در بیانیه خود با اشاره به وضعیت دشوار حمید بیدار در زندان تهران بزرگ، شرایط نگهداری او را «نگران کننده» توصیف کرده و افزوده اند: «کنون اما اخبار دلهره آور در خصوص نحوه انتقال و شرایط اسفبار نگهداری تعداد زیادی از زندانیان سیاسی و عقیدتی، نگرانیهای ما و خانواده اش را چندین برابر افزایش داده است.» بر اساس این گزارش، حمید بیدار، فعال سابق دانشجویی، پیش‌تر از سوی شعبه ۲۸ بیدادگاه انقلاب به ریاست قاضی عموزاد به ۱۱ سال زندان محکوم و این حکم در شعبه ۳۶ بیدادگاه تجدیدنظر به صورت غیابی عیناً تأیید شده بود. اتهامات وی «توهین به مقدسات»، «توهین به رهبری»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «نشر اکاذیب» و «تشویش اذهان عمومی در فضای مجازی» اعلام شده است؛ این فعال سابق دانشجویی روز ۱۵ خرداد جهت تحمل دوران محکومیت حبس خود راهی زندان اوین شد.

بازداشت یک استاد در دانشکده پرستاری مهاباد



ربودن مرموز علی یونسی از زندان اوین



روز شنبه ۷ تیر ۱۴۰۴، رضا یونسی، برادر علی یونسی، نوشت: «۱۱ روز است که علی یونسی به زور از بند چهار زندان اوین ربوده شده است. خانواده و وکیل او تاکنون تمام تلاش خود را برای کسب خبری از وضعیت سلامت و محل نگهداری علی انجام داده‌اند، اما تمام تلاشها تاکنون بی‌نتیجه بوده است.»

لازم به ذکر است، بعد از هدف قرار گرفتن زندان اوین انتقال گسترده زندانیان سیاسی و امنیتی از زندان اوین به زندانهای قرچک و ورامین، زندان تهران بزرگ و زندان قزلحصار صورت گرفته است در این میان وضعیت علی یونسی، ارغوان فلاخی، بیژن کاظمی، مرتضی اسدی و دو گروهان فرانسوی که در بند ۲۰۹ نگهداری می شدند، همچنان نامشخص است و خانواده های آنها در بی‌خبری کامل به سر می‌برند.

محکومیت استاد منتقد دانشگاه به اتهام «نشر اکاذیب»



مرتضی نعمتی، استاد پیشین دانشگاه چمران اهواز و منتقد فضای آکادمیک کشور، از صدور حکم محکومیت خود به پرداخت جزای نقدی به اتهام «نشر اکاذیب» خبر داد. نعمتی روز یکشنبه ۸ تیر ۱۴۰۴، با انتشار متنی در شبکه اجتماعی اینستاگرام، ضمن اعلام این خبر، بخشی از فیش حقوقی خود را منتشر کرد و به انتقاد از آنچه «حکمرانی دروغ در دانشگاهها» خواند، پرداخت، وی در این متن نوشت: «در سه سال گذشته که ناچار به استعفا از شغل دانشگاهی شدم، مستنداتی از سامانه دروغ و تفتیش عقاید ارائه کردم و بهترین واژه برای این شیوه حکمرانی راه حکمرانی دروغ می‌دانم.» این استاد پیشین دانشگاه در بخش پایانی نوشته خود، با لحنی کنایه‌آمیز، محکومیتش را در راستای «تامین هزینه های جنگ دوازده روزه با اسرائیل» توصیف کرد. گنتنی است، این محکومیت در پی فعالیتهای انتقادی نعمتی در حوزه دانشگاه و انتشار مطالبی درباره شرایط مدیریت علمی کشور صورت گرفته است.

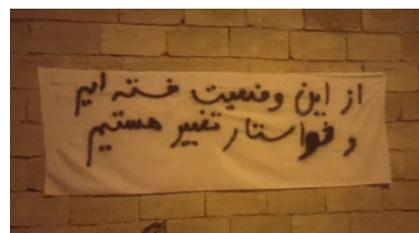
دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲

تهدید دانشجویان به بهانه پوشش، و با فعالیت در فضای مجازی شدت یافت، اتوبوسهای درون دانشگاهی تفکیک جنسیتی شد و روند احضار تلفنی و تهدید توسط حراست و معاونت دانشجویی ادامه داشت، همزمان با ایجاد فضای خفقان، مانع از بروز هرگونه خبری در فضای رسانه‌ای می‌شدند، تقریباً در تمام پرونده سازی‌ها اتهام «عدم رعایت شئونات دانشجویی» ذکر می‌شد؛ اتهامی که مستندات نداشت.

روز دوشنبه ۹ تیر ۱۴۰۴، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با صدور حکمی سید مسعود سید احمدیان را به عنوان سرپرست دانشگاه شهید مدنی آذربایجان منصوب کرد.

بنا اعتراضی تعدادی از فعالان دانشجویی در سندج



روز سه شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان از کردستان - سندج، با انتشار ویدیویی از بنا اعتراضی، اعلام موضع کردند.

ما دانشجویان از سراسر کشور را دعوت می‌کنیم که در همراهی با تشکل خودشان، تشکل دانشجویان پیشرو، هرچه گسترده‌تر از هر دورانی، برای این رژیم جنایتکار کابوس بسازیم.

ما محکم ایستاده ایم و تا ایجاد تغییرات گسترده در زندگی خودمان و جامعه، دست از مبارزه و اعتراض نخواهیم کشید.

چادر، شرط پذیرش دانشگاه شاهد

دانشگاه شاهد اعلام کرد که با توجه به ضوابط اختصاصی، ورود به این دانشگاه برای زنان صرفاً با حفظ حجاب برتر (چادر) امکان‌پذیر است.

دانشگاه شاهد جهت برنامه ریزی بهتر و تعیین زمان بررسی صلاحیتهای عمومی از شیوه نوبت دهی الکترونیکی استفاده می‌کند. از این‌رو متقاضیان ملزم به مطالعه دقیق اطلاعات‌های مربوط، رعایت نکات ذکر شده و ثبت نام مطابق زمانبندی اعلام شده جهت شرکت در مراحل بررسی صلاحیتهای عمومی هستند. همچنین با توجه به ضوابط اختصاصی، ورود به دانشگاه شاهد برای خواهان صرفاً با حفظ حجاب برتر (چادر) امکان پذیر است.

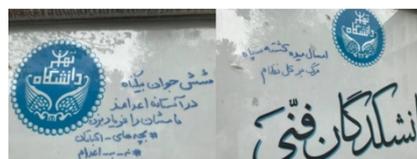
دوباره خودکشی یک کادر درمان

روز جمعه ۲۰ تیر ۱۴۰۴، فرزاد بهراملو، دانشجوی سال آخر پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان و رتبه ی ۶۹ کنکور سراسری سال ۹۷ در اثر خودکشی جان خویش را از دست داد.



دوباره خودکشی بین کادر درمان، فرزاد بهراملو دانشجوی سال آخر پزشکی

شعارنویسی در حمایت از زندانیان محکوم به اعدام



روز سه شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه تهران در حمایت از زندانیان محکوم به اعدام و همچنین علیه سپاه تروریستی پاسداران با نوشتن پیام‌هایی، صدای همبستگی با محکومان به اعدام و معترضان دربند را بلند کردند.

بازداشت سارا گوهری، دانشجوی افغانستانی ساکن تهران



سارا گوهری، شهروند افغانستانی ۲۹ ساله و دانشجوی جامعه شناسی دانشگاه تهران، روز ۱۵ تیرماه در مرز تایباد توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. بنا بر اطلاعاتی که توسط یک فرد مطلع به نزدیکان سارا گوهری منتقل شده، نهاد بازداشت کننده او وزارت اطلاعات است.

سارا گوهری پیش از بازداشت در صفحه اینستاگرام خود اعلام کرده بود قصد دارد برای جمع آوری روایتها و انجام پژوهشی مستقل درباره وضعیت مهاجران افغانستانی به مرز تایباد سفر کند. خانواده سارا گوهری همچنان از محل نگهداری و وضعیت سلامتی او بی‌خبر هستند و پیگیری‌های مداوم آنها تاکنون بی‌نتیجه مانده است.

آزادی مطهره گونه‌ای به قید وثیقه ۲ میلیاردی

روز سه شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴، مصطفی نیلی وکیل مطهره گونه‌ای از آزادی موقت موکل خود پس از یک ماه بازداشت خبر داد. این فعال سابق دانشجویی به قید وثیقه دو میلیارد تومانی از زندان آزاد شده است.

مطهره گونه‌ای از تاریخ ۲۴ خرداد ۱۴۰۴، در بازداشت وزارت اطلاعات به‌سر می‌برد و ابتدا در سلول انفرادی بند ۲۰۹ زندان



اوین نگهداری می‌شد. وی پس از حمله به زندان اوین، به زندان دیگری منتقل شده بود.

بازداشت یک دانشجو به دلیل انتشار استوری انتقادی

روز چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴، علی پروین دانشجوی داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تبریز و عضو انجمن اسلامی دانشجویان این دانشگاه، به دلیل انتشار چند استوری انتقادی در اینستاگرام، بازداشت شد.

برای این دانشجو با اتهام «نشر اکاذیب» پرونده قضایی تشکیل شده است؛ این پرونده فعلاً با قرار وثیقه، بین ۶ ماه تا ۲ سال به تعلیق در آمده و در صورت تکرار اتهامات مشابه، امکان بازگشایی مجدد پرونده وجود خواهد داشت.

برگزاری جلسه بیدادگاه علی یونسی و امیرحسین مرادی

جلسه بیدادگاه جدید برای رسیدگی به اتهامات علی یونسی و امیرحسین مرادی، دو دانشجوی زندانی دانشگاه شریف، روز یکشنبه ۲۹ تیرماه برگزار شد. خواهر آقای یونسی اعلام کرد که از حضور وی در این جلسه معانعت به عمل آمده است. او از ۲۱ روز پیش تاکنون تنها یک تماس کوتاه با خانواده اش داشته و نزدیکان او از آن زمان تاکنون از وضعیت این زندانی سیاسی اطلاعی ندارند.

آیدا یونسی، خواهر علی یونسی با انتشار خبری در این خصوص اعلام کرد: «روز یکشنبه ۲۹ تیرماه، جلسه دادگاه برای پرونده جدید علی یونسی و امیرحسین مرادی برگزار شد. علی را به جلسه دادگاه نیاوردند، امری که موجب اعتراض وکلای وی شد.»

خانم یونسی با طرح این پرسش که «علی کجاست و چرا او را از ابتدایی‌ترین حقوق قانونی خود همچون حق تماس با خانواده و وکیل محروم کرده‌اید؟» نسبت به وضعیت برادرش ابراز نگرانی کرد.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: سایت بازداشت شدگان، تلگرام خبرنگار امیرکبیر، هانا، تلگرام دانشجویان پیشرو، ایران وایر، ایسنا)

رویدادهای هنری ماه (تیر ۱۴۰۴)

هنر مقاومت

همراهی جعفر پناهی با مادر یک زندانی سیاسی برای رساندن دارو به فرزندش



جعفر پناهی، برنده نخل طلای جشنواره کن ۲۰۲۵ فرانسه، با مادر مهدی محمودیان، زندانی سیاسی، همراه شد تا این مادر سالخورده بسته های داروی فرزند و برخی دیگر از زندانیان را به زندان بزرگ تهران برساند.

جعفر پناهی از این دیدار و همراهی، فیلم کوتاهی در حساب اینستاگرامش منتشر کرده است. مادر مهدی محمودیان با بسته های مختلف دارو وارد خودروی آقای پناهی می شود. این داروها بخشی از آن برای فرزندش و پلاستیکهای دیگر برای همبندان و دوستان اوست. مادر سالخورده مهدی محمودیان در طول فیلم از رفتار نادرست مدیران زندان با او و دیگر زندانیان انتقاد می کند.

به ویژه در دقایق پایانی، او به دستبند و پابند زدن به ابوالفضل قدیانی، زندانی سیاسی ۸۰ ساله، اشاره کرده و می گوید: «واقعا شرمناک نشد. مگر او توان فرار کردن دارد؟»

نمایش چهره هنگامه قاضیانی در بیلبوردها ممنوع شد



هنگامه قاضیانی که پس از سالها با فیلم «زعرانیه ۱۴ تیر» به سینما بازگشته و فیلمی با بازی او اکران شده، در مورد غیبتش در تبلیغات این فیلم نوشت: «فیلم «زعرانیه ۱۴ تیر» سال ۱۳۹۷ ساخته شد. هفت سال پیش. و بعد از شش سال اجازه اکران گرفته. عکسزم از پوستر حذف شده. حتما اجازه تبلیغات با چهره من ممنوع است.»

هنگامه قاضیانی یکی از نخستین بازیگران حامی خیزش «زن، زندگی، آزادی» است که با وجود سرکوب هنرمندان معترض از سوی جمهوری اسلامی و تجربه فشارهای مختلف از جمله احضار، بازداشت و زندان، همچنان در مسیر دادخواهی گام برمی دارد و به نمادی از مقاومت در برابر ظلم بدل شده است.

قاضیانی در نخستین هفته های جنبش «زن، زندگی، آزادی»، جمهوری اسلامی را «حکومت بچه کش» نامید و پس از

انتشار تصاویر بدون حجاب اجباری از خود در «کف خیابان»، برای مدتی زندانی شد اما همچنان به مبارزات مدنی اش ادامه داد.

اعتراض خانواده تورج نگهبان به سرقت سروده او



اعضای خانواده تورج نگهبان، شاعر و ترانه سرای فقید و خالق ترانه «ای ایران ایران»، نسبت به اجرای نوحه ای برگرفته از این ترانه توسط یک مداح حکومتی در حضور علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، اعتراض کردند و این اقدام را «نهایت ریاکاری» خواندند.

محمود کریمی، مداح هفت تیرکش، شامگاه ۱۴ تیر، به درخواست خامنه ای نواهای را بر اساس ترانه تحریف شده «ای ایران ایران» در مراسم شب عاشورا در برابر وی اجرا کرد.

ترانه میهن دوستانه «ای ایران ایران» با آهنگسازی محمد سریر و با صدای محمد نوری اجرا شده است.

خانواده تورج نگهبان یکشنبه ۱۵ تیر در پیامی که در صفحه ای با نام او در اینستاگرام منتشر شد، نوشت: «وفاقت تا کجا؟ سرودی که جمهوری اسلامی دهه ها با نفرت ازش یاد می کرد، شاعرش را «طاغوتی» می دانست، اسمش را از کتابها و رسانه ها حذف می کرد، حالا جلو خامنه ای همان سرود را به سبک نوحه اجرا می کنند.»

خانواده نگهبان در ادامه متن خود از زبان این ترانه سرا نوشتند: «من تورج نگهبانم، شاعری که برای عشق سرود، برای وطن، برای مردم. نه برای قدرت، نه برای ولی فقیه، نه برای میز و منبر. شعر من صدای زندگی بود، نه مرثیه مرگ. آواز من فریاد امید بود، نه نوحه ای برای بقای یک حکومت پوسیده.»

کارگردان و برخی عوامل فیلم «بیداد» به زندان و جزای مالی محکوم شدند



سهیل بیرقی، کارگردان فیلم «بیداد»، با انتشار تصویری از رأی دادگاه، خبر داد که او و تعدادی از عوامل این فیلم به اتهاماتی چون «تشویق مردم به فساد، تبلیغ علیه نظام، تهیه محتوای مبتذل و ترغیب و تشویق به اعمال منافی عفت» به زندان و جریمه نقدی محکوم شده اند.

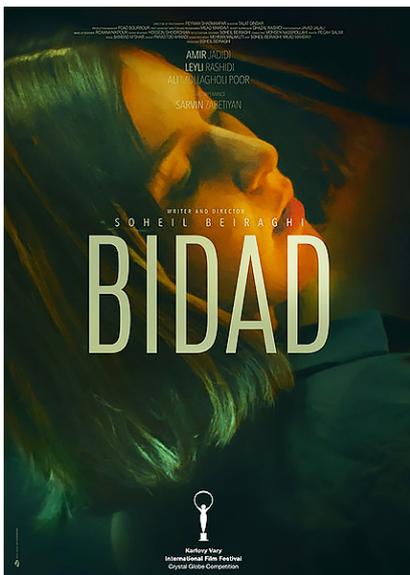
لیلی رشیدی، امیر جدیدی، سروین ضابطیان و علی ملاقلی پور، از بازیگران فیلم «بیداد»، همراه با پیمان

شادمان فر، فیلمبردار، از جمله عواملی هستند که علاوه بر کارگردان از سوی دادگاه محکوم شده اند.

سهیل بیرقی به عنوان متهم اول این پرونده در مجموع به چهار سال و سه ماه زندان محکوم شده، اما دادگاه اجرای حکم زندان را به پرداخت جزای نقدی تبدیل کرده است. اجرای احکام زندان سایر عوامل فیلم هم تعلیق شده است.

آقای بیرقی در توضیح کوتاهی پیرامون این حکم در اینستاگرام نوشته: «برای اینکه بازتولید دروغ نکردم. همین.» فیلم «بیداد» بدون رعایت حجاب اجباری بازیگران زن در ایران ساخته شده و اثری جسورانه و عمیقاً انسانی است که با روایت زندگی «نورا»، خواننده ای جوان در ایران، به ممنوعیت آوازخوانی زنان در ملاءعام می پردازد. این فیلم نه تنها یک درام شخصی، بلکه بیانیه ای سیاسی و هنری علیه سیستماتیک ترین اشکال سانسور جنسیتی است.

«بیداد» جایزه ویژه هیات داوران جشنواره کارلووی واری را به دست آورد



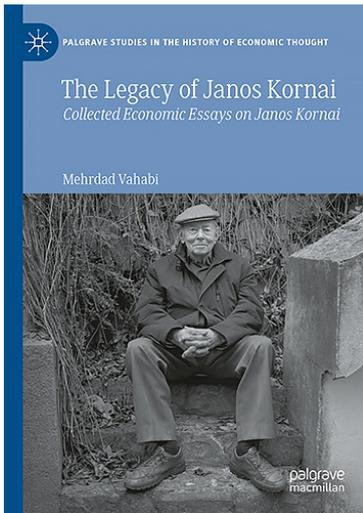
فیلم ایرانی «بیداد»، ساخته سهیل بیرقی، در مراسم اختتامیه پنجاه و نهمین دوره جشنواره فیلم «کارلووی واری» جایزه ویژه هیات داوران این رویداد سینمایی را به خود اختصاص داد.

آقای بیرقی روز شنبه ۲۱ تیر هنگام دریافت این جایزه از زنان ایران برای الهام بخشیدن به ساخت این فیلم قدردانی کرد و گفت: «دختران و زنان ایران نیاز به ترجم ندارند. باید از آنها قدردانی کرد و به آنان احترام گذاشت و ایستاده دست زد.» این سخنان با تشویق حاضران در مراسم اختتامیه همراه شد. سهیل بیرقی در مراسم نخستین نمایش این فیلم در جشنواره کارلووی واری گفته بود که حرف ساده ای در «بیداد» زده منی بر اینکه زنها در ایران باید بتوانند آواز بخوانند چون «آواز زن عین زیبایی است.»

او همچنین گفته بود که ساخت این فیلم از او انسان «قویتر و ترس تری» ساخته است.

بقیه در صفحه ۱۵

انتشار کتاب «میراث یانوش کورنای»



کتاب «میراث یانوش کورنای» از جانب انتشارات «پالگریو مکمیلان/اسپرینگر» در تاریخ ۲ جولای ۲۰۲۵ به زبان انگلیسی منتشر شد.

کتاب در برگزیده مجموعه ای از مقاله های مهرداد وهایی درباره اندیشه های «یانوش کورنای» است که در نشریات معتبر علمی به چاپ رسیده با افزوده های متعددی منجمله مقدمه و موخره ای برکل کارها، فصلبندی و ارایه معرفی در هر بخش و غیره. یانوش کورنای یکی از برجسته ترین اقتصاددانان قرن بیستم بود که در روشنگری از نظامهای «سوسیالیسم واقعا موجود» و نظامهای پسا سوسیالیستی نقش منحصر بفردی ایفا کرد. کتاب حاضر از جانب دو برنده جایزه نوبل یعنی «امرتیا سن» و «اریک مسکین» و نیز از جانب سه اقتصاددان شناخته شده دیگر، یعنی «چیگانگ چو» (متخصص اقتصاد چین در استفورد)، «پیتر لیسون» (سر دبیر پابلیک چویس) و «جفری هاجسون» (سر دبیر ژوا) قویا توصیه شده.

اطلاعات مربوط به کتاب:

<https://link.springer.com/book/10.1007/978-3-031-83239-0>

موسیقی

نفرت پراکنی ترامپ، آلبوم جدید «رییس» را پرفروش کرد



به گزارش «فوربس»، به نظر نمی رسد فروش آلبوم جدید «بروس اسپرینگستین» Bruce Springsteen. اسطوره موسیقی، از حمله دونالد ترامپ به وی آسیبی دیده باشد. «رییس» یک آلبوم کوتاه (EP) بدون برنامه ریزی قبلی منتشر کرد و در دومین هفته انتشارش و درست همزمان با تور «سرزمین امید و رویاها» بروس اسپرینگستین و گروه E Street Band، در فهرست بین المللی پرفروش ترین آلبومها، به جایگاه چشمگیری دست یافت.

بقیه در صفحه ۱۶

خانم نوروزی همچنین با اشاره به غیرقابل انتشار اعلام شدن رمان «ایران شهر» اثر محمدحسن شهسواری، خطاب به وزیر ارشاد نوشت: «حالا اما، که حرف از همدلی و وطن دوستی و ایران لقلغه زبان ادارات عریض و طویل تان شده، که را دعوت کرده اید به استمرار ایران دوستی؟ استاد ما را که «ایران شهر» نوشته درباره خاک وطن؟»

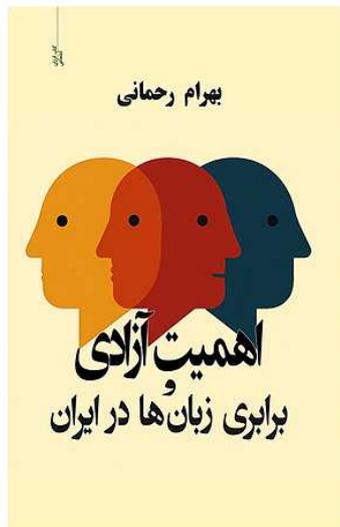
آقای شهسواری اواخر اردیبهشت ماه خبر داده بود که هرچند در حال نوشتن جلد دهم «ایران شهر» است، اما از جلد ششم این مجموعه به بعد وزارت ارشاد جلوی انتشار آن را گرفته است.

از سوی دیگر، جعفر شیرعلی نیا، نویسنده و محقق که برای آثاری درباره جنگ هشت ساله ایران و عراق شهرت دارد، در واکنش به موضع وزیر ارشاد در شبکه ایکس خبر داد که در همان روزها وزارت ارشاد کتاب «نکته های تاریخی» او را توقیف کرده است.

او در کانال تلگرام خود خطاب به عباس صالحی نوشت: «مساله کتاب من نیست؛ اما وقتی نمی توانید خودتان به حرف تان عمل کنید، چرا توصیه می کنید؟»

امیلی امرایی، روزنامه نگار حوزه ادبیات، نیز چند روز بعد از اظهارات آقای صالحی در شبکه ایکس نوشت: «اسمون به زمین بیاد، سازوکار سانسور وزارت ارشاد تکون نمی خوره. عین سنگ کف رودخونه ست دستگاه سانسور.»

رونمایی از کتاب «اهمیت آزادی و برابری زبانها



در ایران»

«اهمیت آزادی و برابری زبانها در ایران»، نام آخرین کتاب بهرام رحمانی است که در ۳۳۹ صفحه از سوی انتشارات «ارزان» در استکهلم-سوئد، نشر داده شده است. در این کتاب، نویسنده به مباحث بسیار با اهمیتی مانند زبانهای رایج در یک کشور، زبان مادری و آزادی یا عدم استفاده از زبان مادری در سطوح گوناگون زندگی آموزشی و اجتماعی یک کشور پرداخته است.

با توجه به شرایط موجود در ایران، بخش بزرگی از کتاب به زبانهای فارسی، ترکی و کردی اختصاص داده شده، اما نویسنده پدیده مورد نظر را در این کتاب از محدوده کشور ما بیرون برده و در سطوح تئوریک و بین المللی نیز به آن پرداخته است.

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۴

سینما

ترامپ بازیگر معترض آمریکایی را به لغو شهروندی تهدید کرد



دونالد ترامپ، رییس جمهوری آمریکا، «رزی اودانل»، کمترین و بازیگر هالیوود را به لغو تابعیت آمریکا تهدید کرد و گفت که در حال بررسی جدی لغو شهروندی این بازیگر معترض است و حملات شخصی طولانی مدت خود علیه این هنرمند متولد آمریکا را شدت داد.

ترامپ در رسانه اجتماعی خود موسوم به «تروث سوشال» نوشت: «به این دلیل که رزی اودانل به نفع کشور بزرگ ما نیست، من به طور جدی لغو شهروندی او را بررسی می کنم. او تهدیدی برای بشریت است. باید در کشور شگفت انگیز ایرلند بماند، البته اگر او را بخواهند.»

ادانل که در نیویورک متولد شده، مدتهاست که از ترامپ انتقاد می کند. او اوایل امسال خانواده اش را به ایرلند منتقل کرد و در یک ویدیو در رسانه های اجتماعی گفت: «وقتی که برای همه شهروندان در آمریکا حقوق برابر تامین شده باشد، آن موقع است که ما به بازگشت فکر خواهیم کرد.»

ادانل در پاسخ به تهدید ترامپ در «تیک تاک» نوشت: «خانمها و آقایان، رییس جمهور مایه ننگ تمام کشور زیبای ما است. او خطری برای ملت آمریکا است. یک جنایتکار روانی درمان نشده که یک دهه به آمریکا دروغ گفت. او یک احمق تمام عیار است. پیامهای کوچک من از دوبلین او را ناراحت کرد.»

ادبیات

افشای ملی گرایی فربیکارانه وزیر ارشاد از سوی نویسندگان و مترجمان

عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پیامی که پس از آتش بس جنگ رژیم ایران و اسرائیل منتشر کرد، نوشته بود برای «تداوم همبستگی اجتماعی، برای حفظ ایران و انقلاب» باید اقداماتی انجام شود و به مواردی مانند «تجدیدنظر در تنگ نظریهای سلیقه ای و قانونی»، «جذب حداکثری همه علاقمندان ایران» و «استمرار ملی گرایی و میهن دوستی» اشاره کرده بود.

این اظهار نظر واکنشهای متعددی را برانگیخت. از جمله سمیه نوروزی، مترجم و ناشر، در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «جناب وزیر! در کسوت ناشر، رمانی که ۱۰ آبان سال گذشته فرستاده ام خدمتان، چند روز پیش مغایر با ضوابط نشر تشخیص داده شد. چرا؟ نمی دانم.»

روی ریل سرکوب به سوی جنگ بعدی

منصور امان



مُصوبه مجلس در حقیقت جِرام-نامه ای است که دستگاه قُدرت از سوراخی که بدان پناه برده، برای حفاظت از خود در برابر مردم مُعرض تدوین کرده و هراس از آن جنبه های گوناگون و پُرشمار فعالیت و حیات اجتماعی آنها را بازتاب می دهد. حاکمیت به گونه مُضحکی «ملت» را تهدید می کند که در صورت دست زدن به تجمّع، راهپیمایی، اطلاع رسانی، فعالیت در شبکه های اجتماعی، استفاده از استارلینک و جُز آن با مجازاتهای دوره جنگ کیفر خواهد گرفت.

جامعه معنای این رُست را می فهمد و در پس آن بهم ریختگی رژیم حاکم را به خوبی تمیز می دهد. خامنه ای و شرکا در این سند مهر کرده اند که زیر پای شان خالی شده و نسبت به آینده خود به شدت بیمناکند. آنها در حالی که در بسیاری از جبهه ها در حال عقب نشینی و فرار هستند، میدانهای جدیدی برای رویارویی با کارگران، بازنشستگان، پرستاران، مال باخته ها، جوانان، فعالان مجازی و کوشندگان صنفی گشوده اند. حاکمیت از جنگی که علیه جامعه به راه انداخته، پیروز بیرون نخواهد آمد، همچنانکه در جنگ علیه زنان پیروز نشد و مقاومت اجتماعی، «لایحه عفاف و حجاب» آن و اراذل و اوباش انضمامی را به زُباله دان فرستاد.

مردم ایران با قیامها، در اعتراضها و بر تریبونها به سیاستهای جنگ افروزان رژیم خامنه ای «نه» گفته اند. آنها در هر فرصتی مخالفت خود را با ریختن ثروت و داراییهای همگانی به تنور جنگهای بیپهوده نیابتی و مزدور پروری بیان داشته اند. گذشته از آنکه دستگاه نظامی امنیتی چه کاغذی را سیاه کند، جامعه ادامه شرایط برخی کُتونی را برنخواهد تابید. جنگ طلبان به پایان راه نزدیک شده اند.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۲ تیر

رژیم ج.ا پس از رویارویی جنگی فضاقت بار با اسرائیل و تضعیف همه جانبه، به شدت در تلاش برای سامان دادن به وضعیت مُتزلزل و به هم ریخته خود است. بیش از همه، پیامدهای اجتماعی تحولات دوازده روز درگیری نظامی است که حاکمیت را نگران و بیمناک می کند. جنگ نه فقط تاسیسات نظامی و هسته ای آن را سُخّم زده، بلکه به لحاظ اجتماعی نیز سیاستهای جنگ افروزانه و دستگاه هدایت کننده آن را در برابر توده ها خلع سلاح کرده است.

ابراز شادمانی رهبران و پایوران حکومت از سرنگون نشدن فوری توسط جامعه که با چرب زبانی از «ملت» و «ایران» دوستی یکشبه همراه شده است، ژرفای بی اعتمادی و هراس حاکمیت از مردم را مُستند کرده است. آنها - به درستی - ارزیابی می کنند که جامعه به کمین شان نشست، در انتظار فرصت است و هر تحوّل یا رویدادی خارج از اراده آنان می تواند لحظه موعود باشد.

این وحشت را احتمال سر باز کردن یک جنگ دیگر و حمله دوباره اسرائیل و آمریکا تقویت کرده است. حاکمیت همچنان روی ریل بحران سازی و تنش زایی حرکت می کند و تصمیمها و دیالوگهای آن جُز دعوت جنگ به خانه نیست. بنابراین با سرکوب جامعه تلاش می کند تهدیدهای اجتماعی که جنگ احتمالی آتی می تواند زمینه ساز آن شود را پیشاپیش خنثی یا به حداقل کاهش دهد.

از این رو، شگفت انگیز نباید باشد که حاکمان ج.ا در همان حال که مشغول چاپلوسی و دادن مدال مشروعبیت به خود بودند، در پنهان علیه مردم توطئه می چیدند و برای گلوبیشان چاقو تیز می کردند. مجلس فرمایشی که بازیچه آلیگارشسی نظامی امنیتی حاکم است، به گفته خود، روز دُوم تیر طرح همه جانبه ای را برای سرکوب جامعه به تصویب رساند که حاکمیت آن را تنها پس از اطمینان از سرنگون نشدن منتشر کرد.

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۵

به گزارش فوربس، آلبوم «سرزمین امید و رویاها» در این بازه زمانی در دو فهرست پرفروشهای بریتانیا قرار دارد. این آلبوم کوتاه همچنین در رتبه دوازدهم «آلبومهای رسمی آمریکانا» قرار گرفت. در آخرین بازه زمانی، «سرزمین امید و رویاها» با قرار گرفتن در رتبه هشتم، وارد ۱۰ آلبوم برتر جدول «دانلود آلبومهای رسمی» شد. این آلبوم این هفته به اوج جدیدی در رتبه ششم رسید.

اسپرینگستین روی صحنه در «منچستر»، انگلستان، گفت: «در خانه من، آمریکایی که من دوست دارم، آمریکایی که درباره اش نوشته ام، که ۲۵۰ سال چراغ امید و آزادی بوده است، در حال حاضر یک دولت فاسد، بی کفایت و خائن حکمرانی می کند. امشب از همه کسانی که به دموکراسی و بهترینهای آزمایش آمریکایی ما باور دارند، می خواهیم که با ما برخیزند، صدای خود را علیه استبداد بلند کنند و بگذارند آزادی به صدا درآید!» این هنرمند از گنجانیدن سخنرانی خود در آلبوم کوتاه خود غافل نشد، حرکتی که فوربس گمان می کند ممکن است به پرفروش شدن آن کمک کرده باشد.

ترامپ به سرعت طعمه اسپرینگستین را قاپ زد: «می بینم که بروس اسپرینگستین، کسی که بیش از حد بزرگ شده، به یک کشور خارجی می رود تا از رییس جمهور ایالات متحده بدگویی کند. هیچوقت از او خوشم نیامده، هیچوقت از موسیقی اش یا سیاستهای چپ رادیکالش خوشم نیامده و مهمتر از همه، او آدم با استعدادی نیست، فقط یک احمق سمج و نفرت انگیز است که با شور و شوق از جو بایدن شاید حمایت می کرد.»

هنرهای تجسمی

برگزاری نمایشگاه نقاشی در زندان تهران بزرگ



نمایشگاه یک روزه آثار نقاشی و طراحی مرتضی پروین، هنرمند و فعال مدنی دربند آذربایجان، روز ۱۷ تیر ماه ۱۴۰۴ در بند زندانیان سیاسی زندان تهران بزرگ برگزار شد.

در این نمایشگاه، بیش از ۴۰ اثر با موضوع «نه به خشونت» در معرض دید زندانیان قرار گرفت و آنان پیرامون مجازات اعدام، زن کشی، و خشونت سیستماتیک به بحث و تبادل نظر پرداختند.

به دنبال حمله جنایتکارانه اسرائیل به زندان اوین و شرایط شکنجه باری که از سوی نهادهای امنیتی و قضایی به زندانیان سیاسی تحمیل شد، برگزاری این نمایشگاه، بیانگر روحیه بالا، آگاهی و عزم و اراده آنان در برابر بی عدالتی و خشونت سیستماتیک است که نظم ضد انسانی و نابرابر موجود بر انسانها تحمیل می کند.

اردیبهشت ماه سال گذشته نیز مرتضی پروین به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر و روز معلم، نمایشگاهی را در زندان اوین برگزار کرده بود.

(منابع: جنگ خبر، یورونیوز، رادیو فردا، آفتاب نیوز، عصر ایران، آلترن، رادیوزمانه، تلگرام اتحادیه آزاد کارگران ایران)

جنبش رنگین کمان بیشماران (تیر ۱۴۰۴)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

ماده های ۹۶ و ۵۴ قانون تأمین اجتماعی، جهت ترمیم مستمریها و ارائه خدمات درمانی مناسب شدند.

چهارشنبه ۱۱ تیر

*تعدادی از نانوایان سقز برای اعتراض به عدم افزایش قیمت نان از پخت خودداری کردند. برپایه گزارشهای منتشره در شبکه های اجتماعی، به دنبال این اعتصاب رییس اتحادیه نانوایان سقز و دستکم ده نانوای این شهرستان در استان کردستان توسط نیروهای سرکوبگر بازداشت شدند.

*صدها تن از کارگران کارخانه آلومینیوم اراک (ایرالکو) در ادامه اعتراضات شان به قطع پرداخت پاداش افزایش تولید و سهمیه برنج کارکنان، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و نیز اخراج چند تن از همکاران شان بار دیگر دست به اعتصاب و تجمع زدند. بنا بر گزارشهای منتشره در شبکه های اجتماعی، در این تجمع، مهندس صیف مدیر کارخانه بدون پاسخگویی به خواسته های کارگران با وعده این که بروید سر کارتون همه چیز درست می شود، از کارگران خواست که سر کارشان بروند.

این کارخانه که حدود چهار هزار کارگر دارد. موضوع اصلی اعتراض کارگران ایرالکو سطح نازل حقوقها و کاهش هر روزه ارزش آن با توجه به گرانیهای سرسام آور و دیگر مشکلات کاری است. از جمله اینکه، این کارخانه یکی از آلوده ترین کارخانه های استان مرکزی است و به لحاظ ایمنی محیط کار استاندارد پایینی دارد و برای کارگران صدمات جانی بسیاری دارد.

جمعه ۱۳ تیر

*شماری از زنان بلوچ با حضور در خیابانهای منتهی به فرمانداری شهرستان خاش، دست به راهپیمایی اعتراضی زدند و با تجمع مقابل ساختمان فرمانداری، خواستار مجازات عاملان یورش نظامیان به روستای گونبج و روشن شدن ابعاد این فاجعه شدند. به گزارش حال وش، این اعتراض در حالی صورت گرفت که شامگاه روز گذشته، لالی بامری یکی از زنان مجروح در حمله نظامیان به روستای گونبج، پس از سه روز بستری بودن در بیمارستان خمینی خاش، جان خود را از دست داد. مرگ او، موج تازه ای از خشم عمومی و همبستگی زنان بلوچ را به دنبال داشت.



زنان شرکت کننده در این تجمع، با در دست داشتن دست نوشته هایی با مضامین حمایت از قربانیان کشته و مجروح شده نسبت به استمرار خشونت علیه زنان و بی پاسخ ماندن این جنایات واکنش نشان دادند. حاضران همچنین شعارهایی علیه نظامیگری، جنایت و خشونت علیه زنان بلوچ توسط حاکمیت و سیاستهای سرکوبگرانه سر دادند و خواستار مجازات فرماندهان عملیات گونبج و دلجویی رسمی از خانواده قربانیان شدند.

بقیه در صفحه ۱۸

بحران اقتصادی در ایران، پس از جنگ ۱۲ روزه بدون یک لحظه توقف مسیر فلاکت و نابودی را طی می کند. در حالی که جامعه هر روز بیش از روز پیش در بحران و نابودی فرو می رود و شلاق فلاکت پیکر تهیدستان را به طور مداوم رنجور می کند، شاکله قدرت و مزدوران آن به سیاست غارتگری ادامه می دهند. غارت منابع آب، در سالهای گذشته و با وجود هشدارهای مداوم موجب آن چنان شرایط فاجعه باری شده که در روزهای آخر ماه تیر، بخشی از آن را مشاهده کردیم.

پزشکیان در این مورد حرف جدیدی نمی زند. فقط از ناترازی کوتاه آمده و از بحران سخن می گوید. او در جلسه ای پس از گزارش وزیر نیرو گفت: «بحران آب از آنچه امروز درباره آن صحبت می شود، جدی تر است و اگر از امروز فکری عاجل نکنیم، در آینده با شرایطی مواجه می شویم که نمی توان هیچ علاجی برای آن یافت.» (تسنیم، دوشنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۴)

در ماه گذشته اخبار و گزارشهای بسیار پیرامون ابر بحران آب، به وفور در رسانه های حکومتی پوشش داده شده است. اقتصاد پویا در شماره روز چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۴ در مورد نابودی تالابها نوشت: «منشا آلودگی هوای پایتخت تالاب صالحیه در جنوب غرب تهران است و مهم ترین کانون گرد و غبار تهران خشک شدن تالاب صالحیه است.»

روز یکشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۴، خبرگزاری مهر اعلام کرد که: «در حال حاضر، ۲۵ استان و بیش از ۵۳ شهر کشور با تنش آبی مواجه هستند.» این رسانه حکومتی دلیل بحران و تنش آبی را پنهان کرده و به «پنجمین سال خشکسالی متوالی» تاکید می کند. اما یک کارگزار دیگر حکومت به بخشی از دلایل به وجود آمدن این ابر بحران اشاره می کند. محمدحسین امید، سرپرست دانشگاه تهران و استاد مهندسی آبیاری و آبادانی در چهلمین اجلاس روسای دانشگاههای ایران، مسعود پزشکیان، رئیس جمهور را خطاب قرار داد و گفت: «در ۵۰ سال گذشته بیش از ۲۵۰ میلیارد مترمکعب مازاد مصرف آب داشتیم و اکنون با توجه به راهکارهای "انحرافی" که بیشتر توسط بعضی افراد مطرح و اجرا شده، حتی با تأمین ۱۰۰ میلیارد دلار هم حل نمی شود... پروژه های اجرا شده در ایران از جمله در کاشان و آبادان را همان موقع هم اعلام کردیم درست نیست... کمبود آب هم یک مساله امنیتی است... و مبنای تصمیم گیری در حوزه صنعت و کشاورزی آب نبوده و با این روند نمی توان ادامه داد و مشکل را حل کرد.» (بی بی سی، شنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۴)



در ماه تیر به خاطر پیامدهای جنگ دوازده روزه بین رژیمهای ایران و اسرائیل شاهد افت شدید حرکتی اعتراضی نیروهای کار بودیم. البته نیروهای کار در واکنش به شرایط فاجعه بار و فقر و فلاکتی که با آن درگیر هستند دستکم ۵۸ روز حرکت اعتراضی انجام دادند و در روزهای آخر ماه گذشته شاهد چند گنش توده ای، به خصوص در سبزوار بودیم. گزارش کوتاه این حرکتها را این مجموعه خواهید خواند. حرکتیهای اعتراضی معلمان و دانشجویان جداگانه در همین شماره ماهانه نبرد خلق پوشش داده می شود. در همین ماه شاهد سه شبیه های اعتراضی زندانیان سیاسی بودیم و همزمان تجمع خانواده های محکوم به اعدام.

یکشنبه ۸ تیر

*شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل سازمان تأمین اجتماعی رشت دست به تجمع زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، بازنشستگان معترض با سردادن شعارهایی خواستار حل مشکلات معیشتی خود و اجرای

از سرگیری فوری بارگیری، رسیدگی به وضعیت رفاهی رانندگان، و برخورداری از روند عادلانه در اولویت بندی بارگیری هستند.

شنبه ۲۱ تیر



* جمعی از متقاضیان طرح «مسکن ملی زعفرانیه» در بیرجند، مرکز استان خراسان جنوبی، با تجمع مقابل محل پروژه، نسبت به وضعیت بالاترکلیف ساخت وساز و خلف وعده های مسئولان اعتراض کردند. به گزارش اعتراض مدنی بازار، شرکت کنندگان در این تجمع، با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار شفاف سازی در روند پروژه، تسریع در ساخت وساز، و پاسخگویی نهادهای مسئول شدند. آنها اعلام کردند که با وجود پرداخت مبالغ تعیین شده، پیشرفت پروژه بسیار کند یا در برخی بلوکها متوقف شده است.

* جمعی از اهالی تنگ سرخ برای اعتراض به ساخت سد در ۳۰ کیلومتری شهر یاسوج و در سرچشمه های رودخانه بشار دست به تجمع در محل اجرای پروژه و جلوگیری از فعالیت تمامی ماشین آلات سنگین زدند.

* جمعی از سهامداران شرکت سرمایه گذاری ساختمانی نوین (وئو) برای اعتراض به روند نزولی و مشکوک سهم مقابل دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند. سهامداران حاضر در این تجمع که بعضی از آنها بیش از چهار سال است در این نماد سرمایه گذاری کرده اند، خواستار توقف روند نزولی سهم، شفاف سازی عملکرد بازارگردان و پاسخگویی شرکت به نگرانیهای سهامداران شدند.

یکشنبه ۲۲ تیر

برای دومین روز متوالی، گروهی از ناوایان مقابل ساختمان های وزارت کشور و استانداری تهران تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این شهروندان روز گذشته نیز در اتاق اصناف تهران دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی مسئولان به مطالبات خود شده بودند. ناوایان همچون سایر هم صنفان خود در سراسر کشور، دلایل اعتراض را چنین عنوان کردند: واریز نشدن یا تأخیر شدید در تسویه حساب فروش نان / قطع مکرر سامانه در ساعات کاری / ایجاد محدودیت در برداشت از حسابها / نبود پاسخگویی و بی توجهی مسئولان به وضعیت معیشتی ناوایان.

* شماری از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ابرانشهر مقابل درب ورودی این دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش حال وش، تجمع این افراد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق سه ماهه خود و همچنین نداشتن قرارداد رسمی با شرکتهای پیمانکار برگزار شده است.

پرسنل شرکتی این دانشگاه، که عمدتاً در بخشهای خدماتی، پرستاری و بهداشتی مشغول به کار هستند، ماههاست حقوق خود را دریافت نکرده و عدم عقد قرارداد رسمی با شرکتهای پیمانکاری، امنیت شغلی آنها را به خطر انداخته است.

* گروهی از کارگران شهرداری شادگان تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، تجمع این کارگران مقابل ساختمان شهرداری شادگان و در اعتراض به عدم دریافت به موقع حقوق خود صورت گرفته است.

* شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل سازمان تامین اجتماعی رشت دست به تجمع زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، بازنشستگان معترض با سردادن شعارهایی خواستار حل مشکلات معیشتی خود و اجرای ماده های ۹۶ و ۵۴ قانون تامین اجتماعی، جهت ترمیم مستمریها و ارائه خدمات درمانی مناسب شدند.

* فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی نشان می دهد که؛ شهروندان شهر جدید ایوانکی در استان سمنان در اعتراض به بی آبی در بخشهای منطقه، تجمع کردند.

بقیه در صفحه ۱۹

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۷

یادآوری می شود که در یورش نیروهای امنیتی و نظامی به روستای گونج در بامداد سه شنبه ۱۰ تیر، یک زن بلوچ با اصابت گلوله به ناحیه کلیه جان خود را از دست داده و یازده زن بلوچ دیگر مجروح شدند بودند که یک تن از مجروحان بامداد امروز جان خود را از دست داد. به گزارش حال وش، ویدیوی تازه ای که به دست حال وش رسیده، نشان می دهد زنان معترض شعراهایی چون «مرگ بر رژیم بچه کش» و «لالی کشته شد» سر می دهند؛ شعاری که خشم و اندوه عمیق مردم بلوچ از تداوم سرکوب و بی پاسخ ماندن جنایات حکومت را منعکس می کند.

یکی از معنادارترین صحنه های این تجمع، در دست گرفتن پلاکاردی از سوی یکی از زنان معترض بود که روی آن نوشته شده: «لالی کشته شد، خان بی بی هم؛ دنیا چرا ساکنه؟». شعاری که خشم فروخورده، اندوه جمعی و احساس رهاشدگی مردم بلوچ را نسبت به جنایات بی پاسخ علیه زنان این منطقه بازتاب می دهد.

زنان معترض همچنین شعراهایی چون «ما نه می بخشیم، نه فراموش می کنیم» سر می دادند؛ و روی دیوار با رنگ فشاری نوشته اند، شعاری که خشم و اندوه عمیق مردم بلوچ از تداوم سرکوب و بی پاسخ ماندن جنایات حکومت را منعکس می کند.

* شماری از شهروندان شهر دررود در خراسان رضوی در اعتراض به قطع آب شرب مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش صدا و سیما، آب شرب شهرستان دررود از شب گذشته قطع شده و پیگیریهای شهروندان در خصوص این اقدام بی نتیجه مانده است؛ امری که منجر به تجمع آنها شد.

سه شنبه ۱۷ تیر

* ناوایان مشهد در اعتراض به عملکرد سامانه نانینو، در محل اتحادیه ناوایان مشهد دست به تجمع اعتراضی زدند و با تحویل کارخوانهای نانینو، به طور رسمی اعلام کردند که حاضر به ادامه همکاری با این سامانه نیستند. به گزارش گروه اتحاد بازنشستگان، معترضان دلایل این اقدام را چنین عنوان کردند: واریز نشدن یا تأخیر شدید در تسویه حساب فروش نان / قطع مکرر سامانه در ساعات کاری / ایجاد محدودیت در برداشت از حسابها / نبود پاسخگویی و بی توجهی مسئولان به وضعیت معیشتی ناوایان.

یکی از ناوایان حاضر در تجمع گفت: «نان پخت می کنیم، اما پولی به دستمان نمی رسد. با این شرایط نه می توانیم آرد بخریم، نه حقوق کارگر بدهیم.»

* کارگران بخش تولید ماشین سازی اراک در استان مرکزی در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایای خود دست از کار کشیده و در محل نهارخوری با «قاشق زنی» خواهان وصول مطالبات خود شدند. به گزارش ایلتا، کارگران ماشین سازی اراک می گویند با وجود شرایط کاری سخت، کارفرما حقوق و مزایای مزدی مان رابه موقع پرداخت نمی کند. در عین حال حق اضافه کاری برخی همکاران همانند اعضای سابق شورای کارگری (که به دستور کارفرما منحل شده) پرداخت نمی شود. همچنین موضوع مشکلات بیمه تکمیلی و اقساط بانکی کارگران نیز به قوت خود باقی است که پیش از این بارها رسانه ای و اطلاع رسانی شده است.

* مراسم هفتم دو جوان به نام های علی رضا کرباسی و مهدی عبايي که در تاریخ ۱۰ تیر در همدان با تیراندازی ماموران کشته شدند، روز ۱۷ تیر ۱۴۰۴ در همدان برگزار شد. به گزارش بی بی سی، در ویدیوهایی که منتشر شده دیده می شود که جمعیت زیادی در این مراسم شرکت کردند. این در حالی است که گزارش هایی از «جو شدید امنیتی» در هنگام برگزاری مراسم منتشر شده است.

مادر علی رضا کرباسی در سخنانی در میان حاضران گفت: «من و پدرش در حضور شما قسم یاد می کنیم که تا قصاص کامل، حافظ این خون پاک باشیم.»

پنجشنبه ۱۹ تیر

* شماری از رانندگان حمل و نقل گاز مایع در فاز ۱۹ بندر کنگان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش حال وش، در پی توقف چهار روزه بارگیری تانکرهای گاز مایع در فاز ۱۹ بندر کنگان (عسلویه)، حدود ۲۵۰ راننده تریلی کشنده از نقاط مختلف کشور، در شرایطی دشوار و گرمای طاقت فرسای جنوب کشور سرگردان مانده اند.

رانندگان در ویدیوهای منتشرشده از نبود امکانات اولیه مانند جای خواب، استراحتگاه و سرویس بهداشتی گلایه کرده و شرایط را غیرقابل تحمل توصیف کرده اند. آنان خواستار

تهدید کارکنان به اخراج در صورت مطالبه حقوق قانونی و مزایای مصوب، نقض صریح حقوق کارگری است.

۴. سوءمدیریت و تحمیل زیان به نیروها

در پایان اطلاعیه خطاب به مسئولان شهرستان ماهشهر و مدیر عامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی آمده است: درخواست می‌شود ضمن ورود فوری به موضوع، نسبت به بررسی عملکرد مدیریت فعلی و احقاق حقوق قانونی و انسانی کارکنان اقدام عاجل صورت پذیرد. با احترام: جمعی از کارکنان شرکت آمیزه‌های پتروشیمی مارون شهرستان ماهشهر

*پرستاران یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه مطالبات از جمله کارانه، اضافه کار و حق شیفت مقابل دانشگاه علوم پزشکی یاسوج تجمع کردند.

سه شنبه ۲۴ تیر

*شماری از کارگران شاغل در کارخانه فولاد سیادن اهر به نامشخص بودن وضعیت مطالبات معوقه خود معترض شدند. به گزارش ایلنا، یک منبع کارگری در استان زنجان دلیل اعتراض این کارگران را عدم دریافت حقوق و سایر مزایای مزدی عنوان کرد و گفت: «چندین سال است کارگران این کارخانه از مسئولان شرکت پیگیر پرداخت به موقع حقوق و مزایای خود هستند. با هر بار پیگیری، مسئولان فقط وعده می‌دهند. این در حالی است که پرداخت اضافه کاری، حقوق اردیبهشت ماه و حقوق خرداد ماه کارگران این کارخانه به تاخیر افتاده است.»

*جمعی از شهروندان ساکن بخش بروات از توابع بهم، مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش ایرنا، تعدادی از اهالی و ساکنان ضلع شمالی بخش بروات، در پی قطع چندروزه آب در برخی مناطق، خواستار حل فوری مشکل آب شرب در منازل خود شدند.

*مردم شهر علویچه در بخش مهربدشت شهرستان نجف‌آباد در استان اصفهان، با برپایی تجمع اعتراضی، به ۲ بحران جدی تاکید کردند. به گزارش شورای بازنشتگان ایران، معترضان می‌گویند: «مردم علویچه هرچه داشتند فروختند و با هزار امید یک بیمارستان مجهز ساختند، اما دولت سالیانه اجازه افتتاح آن را نمی‌دهد!» همزمان، مردم نسبت به نابودی منابع طبیعی و تخریب کوه‌های اطراف که نتیجه استخراج بی‌رویه معادن است، اعتراض کردند. در جریان این اعتراض، مسیر ارتباطی اصفهان به علویچه توسط شهروندان بسته شد و عبور و مرور حدود ۲۰۰ کامیون، تریلی و صدها خودروی سواری متوقف گردید.

*کارگران شرکت کاشی «ضامن پاژ» در نیشابور در اعتراض به تعطیلی این واحد تولیدی و بیکار شدن ۲۳۰ نفر از همکاران خود، مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. به گزارش شورای بازنشتگان ایران، این کارگران، که بسیاری از آنها تنها نان‌آور خانواده‌های شان هستند، اعلام کردند که تعطیلی کارخانه در پی قطع‌های مکرر برق صورت گرفته و با وجود مراجعات متعدد به فرمانداری و سایر نهادهای مسئول، تاکنون هیچ پاسخ روشنی درباره رفع مشکل، آینده شغلی شان و وضعیت معیشتی خانواده‌ها داده نشده است.

کارخانه ضامن پاژ، یکی از واحدهای صنعتی نیشابور با سرمایه‌گذاری خارجی است.

چهارشنبه ۲۵ تیر

برای دومین روز متوالی، کارگران کارخانه آب معدنی داماش به اعتصاب شان در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق ادامه دادند و در این واحد تولیدی واقع در ارتفاعات شهرستان رودبار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض گفت: در دو روز اخیر، کارگران آب معدنی داماش در اعتراض به وضعیت موجود و عدم پرداخت مطالبات مزدی، اعتراض صنفی ترتیب داده اند. وی افزود: چند سالی است کارخانه آب معدنی داماش که تحت مسئولیت بخش خصوصی در ارتفاعات شهرستان رودبار فعالیت تولیدی دارد، دچار مشکلات اساسی شده به نحوی که با وجود تولیدات فراوان، مطالبات مزدی کارگران در سال جاری ۲ تا ۳ ماه به تاخیر افتاده است با این حال هیچ ارگان دولتی تاکنون به ما کمک نکرده است.

*کارگران راه آهن شهر مرزی سرخس در استان خراسان رضوی برای اعتراض به سطح نازل حقوق و شرایط سخت کاری از جمله شیفتها دست به اعتصاب و تجمع زدند. به دنبال اعتراض این کارگران، دادستانی سرخس به موضوع ورود کرد و مقرر شد جلسه‌ای با حضور نماینده کارگران و مدیر پایانه ریلی سرخس برگزار شود.

*جمعی از مال باختگان پروژه مسکونی مهستان برای اعتراض به تخلفات گسترده در روند ساخت و پیش‌فروش دست به تجمع مقابل فرمانداری و دادگستری شهریار زدند.

به گزارش دیده بان ایران، با وجود آنکه فرماندار دیدار مردمی داشت، از قبول معترضان خودداری کرد و به جای او نماینده اش با مالباختگان رو به رو شد و پس از استماع سخنان آنها اعلام کرد تنها می‌تواند از ادامه فروش واحدها پیشگیری کنند. او خواست که معترضان به دادگستری بروند و پرونده را به صورت قضایی پیگیری کنند.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۸

*اعضای تعاونی مسکن کارکنان زندان قزلحصار برای اعتراض به عدم شفافیت اجرای تعهدات هیات مدیره، تجمع کردند. به گزارش البرز نیوز، تعاونی مسکن کارکنان زندان قزلحصار با قدمتی بیش از ۴۰ سال، پس از سالها تلاش و جمع آوری مبالغ برای خرید زمین و ساخت مسکن، درگیر پرونده‌ای قضایی شده که منجر به توقف فروش غیرقانونی ملک و بلا تکلیفی بیش از ۵۰۰ عضو بازنشسته آن شده است.

*شماری از متقاضیان پروژه مسکن ملی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، برای دومین روز متوالی، مقابل اداره کل راه و شهرسازی استان مرکزی واقع در اراک، دست به تجمع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، تعیین تکلیف شرکت کیسون، تسریع در روند اجرای پروژه، شفاف‌سازی درباره زمان تحویل واحدها و نظارت جدی دولت و استانداری بر عملکرد پیمانکار، از جمله مطالبات این افراد است.

دوشنبه ۲۳ تیر

*گروهی از حواله داران خودرو شاهین مقابل ساختمان فروش شرکت سایپا در تهران، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش هرانا، تجمع این شهروندان در اعتراض به طولانی شدن تحویل خودروی شاهین توسط این شرکت و عدم پاسخگویی مسئولان مربوطه صورت گرفته است. این شهروندان با در دست داشتن بنرهای اعتراضی، خواستار پاسخگویی مسئولان و تسریع در روند تحویل خودروهای خود شدند.

*جمعی از زنان روستای حاجی آباد گناباد در ساختمان اداره آب و فاضلاب این شهرستان، دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، تجمع این شهروندان در اعتراض به قطع مکرر و طولانی مدت آب شرب در این روستا صورت گرفته است. آنها اعلام کردند که با وجود قطع مکرر آب شرب، تاکنون هیچ مسئولی حاضر به پاسخگویی و حل این بحران نشده است. شرایط بی‌آبی با وجود گرمای طاقت فرسا، مشکلات زیادی را برای خانواده‌ها و کودکانشان به همراه داشته است.



*شماری از کارگران شاغل در شرکت آمیزه‌های پتروشیمی مارون واقع در شهرستان ماهشهر دست به اعتصاب زدند. به گزارش بولتن نیوز، پرسنل شرکت آمیزه‌های پتروشیمی مارون با صدور اطلاعیه‌ای با اشاره به وضعیت اسفناک این شرکت با شرح دلایل دست به اعتصاب زدند. در متن این اطلاعیه که رسانه ای شده آمده است:

با احترام، به اطلاع می‌رساند که کارکنان شرکت آمیزه‌های پتروشیمی مارون به دلیل شرایط ناعادلانه و تصمیمات غیرمنطقی مدیریتی، ناچار به برگزاری اعتصاب شده‌اند. اهم دلایل این اقدام به شرح زیر است:

۱. قطع مزایا و اضافه کاری؛

پرداخت فقط پایه حقوق بدون در نظر گرفتن مزایا و اضافه کاری، آن هم در شرایط اقتصادی بحرانی کشور، باعث فشار معیشتی شدید بر کارکنان گردیده است.

۲. حذف وعده غذایی و افزایش ساعات کاری

حذف وعده غذایی روزانه و اجبار کارکنان به کار ۱۲ ساعته بدون تغذیه، اقدامی بی سابقه و مغایر با قوانین کار و اصول انسانی است.

۳. تهدید به اخراج

خواستار پایان دادن به دخالت افراد فاقد تخصص و تجربه در سطوح مدیریتی شرکت شدند. به گفته آنان، این موضوع زمینه‌ساز انتصاب‌های غیرفنی و ناعادلانه و در نهایت، تضییع حقوق کارگران شده است.

همزمان با مراسم تودیع و معارفه فرماندار، جمعی از متقاضیان مسکن ملی نیریز برای اعتراض به بلاتکلیفی مقابل ورودی سالن اجتماعات این شهرستان در استان فارس تجمع کردند. به گزارش هورگان، تجمع کنندگان که بسیاری شان سالهاست سرمایه اندک و توان خود را صرف ثبت نام، پرداخت اقساط و پیگیری مراحل ساخت کرده اند، از وضعیت موجود به شدت گلایه داشتند و خواستار ورود جدی و فوری استانداری فارس برای حل این بحران شدند.

فیلم‌های منتشره در شبکه های اجتماعی، از تجمع و راهپیمایی کسبه پاساژهای المهدی بازار عباس در اعتراض به اجاره های سرسام آور، خبر می دهند.
تجمع جمعی از کامیونداران کشور در اعتراض به توقیف دو ساله کامیونهای وارداتی مقابل وزارت صنعت با شعار «راننده بیدار است از ظلم و ستم بیزار است»

سه شنبه ۳۱ تیر

شماره از سهامداران شرکت پدیده شان‌دیز، با حضور در مجمع عمومی سهامداران این شرکت در مشهد به عدم پرداخت مطالبات خود اعتراض کردند. به گزارش حال وش، شماری از این سهامداران، در مجمع عمومی سهامداران این شرکت حضور داشتند و به عدم پرداخت مطالبات خود پس از ۱۲ سال، اعتراض کردند. همچنین، حدود ۱۸۰ هزار سهامدار همچنان در بلاتکلیفی مالی به سر می‌برند و سهامداران خواستار شفافیت در وضعیت سهام و جبران خسارات خود هستند.

مردم نه آب برای آشامیدن دارند، نه برای حمام، شست‌وشو یا حتی خنک کردن خانه با کولر آبی.

فیلم کوتاهی از تجمع اعتراضی شهروندان محله وجه آباد نسیم شهر (خیابان های سهند، گلها و کوچه کمیل) در استان تهران در اعتراض به بی آبی، در شبکه های اجتماعی منتشر شد. مردم نه آب برای آشامیدن دارند، نه برای نظافت و یا خنک کردن خانه با کولر آبی.

تصاویر منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد مردم خشمگین سبزوار که از قطعیهای بی‌وقفه برق و آب به ستوه آمده اند، جاده را بستند و با صدای بلند فریاد زدند: دیگر تحمل این بی‌تدبیری و بی‌توجهی را نداریم! زندگی مردم فلج شده، هیچ مسئولی پاسخگو نیست، و وعده‌ها فقط روی کاغذ مانده‌اند. مردم سبزوار برای دومین شب پیاپی صحنه خشم و اعتراض مردمی بود که مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. قطع مکرر برق، بحران بی‌آبی و بی‌توجهی کامل مسئولان، مردم جان به لب رسیده را بار دیگر به خیابان کشاند.

در ویدئوهای ارسالی، جمعیتی خشمگین دیده می‌شوند که با شعارهای بلند، اعتراض خود را فریاد می‌زنند: «نه برق داریم، نه آبی — فرماندار، تو خوابی!» «ترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم!» و پس از شلیک گاز اشک‌آور توسط نیروهای سرکوبگر، شعار «بی‌شرف، بی‌شرف» طنین‌انداز شد.



بار دیگر صدای خشم مردم تهران در دل تاریکی طنین‌انداز شد. هم‌زمان با قطعیهای مکرر و بدون اطلاع برق، شماری از شهروندان در مناطق مختلف پایتخت، از جمله اطراف دانشگاه تهران، با سردادن شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور» نارضایتی خود را از شرایط وخیم اقتصادی و ناکارآمدیهای رژیم فریاد زدند.
در رویدادی دیگر شهروندان شهر جدید صدرا در شیراز شعارهای شبانه مرگ بر دیکتاتور هم‌زمان با قطع برق، سردادند.

جنبش رنگین کمان بی‌شماران

بقیه از صفحه ۱۹

پروژه مهستان با بیش از ۳۰۰۰ واحد مسکونی از سال ۱۳۹۱ آغاز شد و قرار بود واحدها ظرف دو سال تحویل خریداران شود. با این حال، با گذشت بیش از ۱۲ سال، تنها بخش محدودی از پروژه به مرحله تحویل رسیده و مشکلات اساسی در روند مالکیت واحدها آشکار شده است.

پنج شنبه ۲۶ تیر

جمعی از کامیونداران و رانندگان برای اعتراض به بلاتکلیفی ۲ هفته‌ای در مرز میلک و خاک افغانستان مقابل پایانه مرزی میلک، تجمع کردند و خواهان رسیدگی به معطلی چند هفته‌ای و پاسخگویی مسئولان استان سیستان و بلوچستان شدند. به گزارش رسانک، صدها دستگاه سنگین در آنسوی مرز بلاتکلیف و سرگردان مانده اند، این وضعیت به دلیل عدم هماهنگی و کوتاهی مسئولان در مرز شکل گرفته و خسارات اقتصادی و انسانی گسترده‌ای را به همراه داشته است.

آدینه ۲۷ تیر

هشتمین روز اعتصاب کارگران کارخانه آهنگری تراکتورسازی ایران با حدود هزار کارگر واقع در تبریز، کیلومتر ۵ جاده سردرد، در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق.

به گزارش منتشر شده در شبکه های اجتماعی، طرح ایجاد کارخانه تراکتورسازی ایران در مهرماه سال ۱۳۴۶ در چهارچوب مفاد موافقت نامه همکاری فنی و اقتصادی فی ما بین دولت ایران و رمانی به منظور ساخت یک نوع تراکتور اونیورسال به قدرت ۶۵ اسب بخار به مرحله اجرا گذاشته شد.

شنبه ۲۸ تیر

جمعی از کارکنان تعدیل‌شده نیروگاه دالاهو (فراب) برای بازگشت به کار طبق رأی شورای تأمین استان و شهرستان و مصوبات ستاد تسهیل مورخ ۶ فروردین و ۱۳ خرداد تجمع کردند. این کارکنان که سابقه فعالیت مستقیم در بهره‌برداری از نیروگاه را دارند، مدتهاست در پی احقاق حقوق خود هستند. آنان تأکید دارند که تعدیل شان برخلاف اصول قانونی و بدون منطق فنی صورت گرفته و امروز در کمال تعجب، نیروهای موقت راه‌اندازی که برای فاز راه‌اندازی پروژه در نظر گرفته شده بودند، در پستیای بهره برداری مستقر شده اند؛ جایگاهی که طبق چارت و تخصص، متعلق به پرسنل با سابقه بومی و تخصصی این نیروگاه است.

تجمع ناوایان اصفهان در اعتراض ناوایان به عدم پرداخت یارانه ناواییها، نرخ نان و... وعده های توخالی مسئولان با تجمع مقابل استانداری اصفهان.

یکشنبه ۲۹ تیر

تعدادی از متقاضیان تعاونی مسکن نیروی انتظامی اراک دست به تجمع زدند. به گزارش هرا، تجمع این شهروندان مقابل ساختمان بیدادگستری استان مرکزی در اراک صورت گرفته است. متقاضیان پروژه تعاونی مسکن نیروی انتظامی اراک که تعدادشان ۵۵۰ خانوار است، نسبت به روند کند تکمیل این پروژه و بلاتکلیفی ۲۳ ساله خود معترض هستند.

جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل ساختمانهای این سازمان در تهران و رشت دست به تجمع زدند. بازنشستگان تأمین اجتماعی خواستار اجرای ماده های ۹۶ و ۵۴ قانون تأمین اجتماعی، رفع مشکلات معیشتی و دریافت خدمات درمانی مطلوب هستند. این افراد همچنین نسبت به تبعیض، گرانی، تورم و دریافتی زیر خط فقر اعتراض دارند.

دوشنبه ۳۰ تیر

جمعی از رانندگان کامیونهای حمل مواد معدنی در شهرستان زرنند تجمع کردند. به گزارش اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان ایران، رانندگان معترض در این تجمع که در حاشیه یکی از مسیرهای معدنی برگزار شد، خواستار رسیدگی به مشکلات صنفی خود شدند. معترضان اصلی‌ترین خواسته خود را تعیین کرایه‌های منصفانه و توزیع عادلانه بار بین معادن و شرکت‌ها عنوان کردند. آنان می‌گویند که بارها برای پیگیری این مشکلات به مسئولان مربوطه مراجعه کرده‌اند، اما هیچ پاسخ شفاف و مؤثری دریافت نکرده‌اند.

شماره از کارگران شرکت مجتمع فولاد خراسان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان در محدوده محل کار خود تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، معترضان

مسرخ

م. وحیدی (م. صبح)

نخستین فصل
در درون من بالید
در بهاری نا کرده
که ارغوانیه‌هایش
سپیده نارس می‌چید؛
با نگاهی سرد
که بی‌تامل
بر دریچه کوچک
چنگ می‌کشید؛
چندان
که آینه‌های بالغ
در قساوت خیابانها
تکه تکه شدند.



در شهر تو
پرنده‌ای نیست؛
تا نظاره افق را ببینی و
شادی کهکشانیها را
بشنوی!
«روز تو
از تو زاده می‌شود»^۱
بی‌آن که بدانی
فردا
در تکلم جنگل سبز جاریست.

ما
از تنگنای سراب چشم تو
زاده می‌شویم
این گونه شاد،
این گونه بی‌پروا؛

اینک
در شعله‌های آبی زیستن
«کامل‌ترین انسان
در عصر خویشتم»^۲
که سیل وار
از خاکستر شبگیر
تکثیر می‌شویم.

بر سقف بامهای شاد
ماه
می‌ریزد
نازک و نرم
آن گونه
که سادگی باران
بر جالیزار انگشتان تو
بوسه می‌زند.

حمله رژیم اسرائیل به زندان اوین عملی جنایتکارانه و محکوم است

زینت میرهاشمی



زینت میرهاشمی

در هنگامه تشدید سرکوب پسا جنگ رژیم‌های اسرائیل و ولایت فقیه، مقاومت شجاعانه زنان بلوچ در برابر یورش جنایتکارانه پاسداران در روستای گونیچ واقع در شهرستان خاش و اعتراض مردم در همدان در تشییع پیکر دو جوان که توسط بسیجیهای مزدور به قتل رسیدند، ستودنی است. شعارها و پلاکاردهای این دو رویداد در این شرایط خفقان و ارعاب اهمیت دارد.

بامداد سه شنبه ۱۰ تیر، مزدوران رژیم در یورش به خانه های هموطنانمان در روستای گونیچ به بهانه «تجسس»، با مقاومت زنان بی سلاح و غیر نظامی این روستا مواجه شدند و آنها را به گلوله بستند. در این حمله جنایتکارانه، ۱۱ تن از زنان هموطن مجروح و ریحانه بامری ۲۱ ساله و باردار، فرزندش را از دست داد، بانوی دیگری به نام «خان بی بی بامری» بر اثر گلوله در جا جان داد و بانوی دیگری به نام «لالی بامری» ۴۰ ساله بر اثر جراحات روز آدینه ۱۳ تیر در بیمارستان جانباخت.

در اعتراض به این جنایت، زنان بلوچ روز آدینه ۱۳ تیر، مقابل ساختمان فرمانداری این شهر با شعارهایی «نه می بخشیم، نه فراموش می کنیم» و پلاکاردی با این مضمون «لالی کشته شد، خان بی بی هم؛ دنیا چرا ساکت؟» دست به تظاهرات زدند.

در رویدادی دیگر، روز سه شنبه ۱۰ تیر، مزدوران رژیم در همدان با شلیک گلوله به سه جوان گردشگر طبیعت، دو نفر از آنها را به نام مهدی عبایی و علی رضا کرباسی کشته و نفر دیگر را مجروح کردند.

روز پنجشنبه ۱۲ تیر در مراسم خاکسپاری پیکر این دو جوان، جمعیت کثیری از مردم همدان با سردادن شعارهای ضد حکومتی شرکت کردند. مردم خشمگین شعار دادند: «می کشم، می کشم، آن که برادرم را کشت»، «دشمن ما همینجاست، دروغ میگویند آمریکاست» و «مرگ بر ستمگر».

در دوره پسا آتش بس لرزان، تشدید سرکوب با دستگیریهای فله ای و فشار روی زندانیان برای گرفتن اعترافهای اجباری برای تولید سناریوهای حکومتی، نشان دهنده این است که رژیم بیش از این که خود را برای جنگ با اسرائیل آماده کرده باشد، خود را برای سرکوب شورش و فوران خشم مردم آماده کرده است.

اگر فعلا آتش بس بین دو رژیم بنیادگرای ارتجاعی اسرائیل و ولایت فقیه برقرار است، اما هیچ آتش بسی بین حکومت و مردم خشمگین برقرار نیست. ادامه جنگی که رژیم خود آغازگر آنست و پایان این جنگ سرانجام به دست مردم رقم خواهد خورد.

فراسوی خبر ... دوشنبه ۱۶ تیر

روز دوشنبه ۲ تیر، رسانه های همگانی اعلام کردند که ارتش اسرائیل به زندان اوین حمله کرده که به بخشهایی از این زندان آسیب وارد شده است.
در اثر این انفجار، در بخشهایی از بند ۷ و ۸ آتش سوزی شده و همچنین بخشی از دیوار بند زنان تخریب و شماری از زندانیان زن مجروح شده اند. در همین حال رژیم به جای آزاد کردن زندانیان و حفظ جان آنها، در حال انتقال آنها به مکان دیگر و نامشخص است.

وزیر دفاع رژیم فاشیستی اسرائیل در توجیه این عمل، زندان اوین را جزو یکی از نهادهای سرکوبگر دانسته است که باید مورد حمله قرار می گرفت.
جان زندانیان در خطر است. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی حتا در شرایط بحرانی و جنگی، جان زندانیان در زندان اوین را به خطر انداخته است. رژیم حتا حاضر نشده است که زندانیان سیاسی را به صورت موقت از زندان آزاد کند تا جانشان در امان باشد. زندانیان سیاسی فرزندان ایران و گروگان در دست حکومت هستند. هر آسیبی به آنها وارد شود مسئول آن خامنه ای و ایادی اش هستند.
بمبهای اسرائیل و جلادان جمهوری اسلامی
جان زندانیان سیاسی در خطر است
زندانهای سیاسی باید آزاد شوند

۲ تیر ۴۰۴

پرچم فتح بر خاکستر بی پناهان و آوارگان افغانستانی

منصور امان



کمپین نژادپرستانه ای که از بیش از سه سال پیش علیه پناهجویان و مهاجران افغانستانی به راه انداخته شده، اکنون به یک کارزار کثیف پلیسی - امنیتی فرا روییده که در جریان آن صدها هزار نفر به گونه تحقیرآمیز و غیرانسانی از کشور اخراج، انبوه دیگری بدون تامین نیازهای اولیه، در اردوگاه های صحرائی در انتظار اخراج بسر می برند و بیش از دو میلیون نفر دیگر زیر پیگرد، سووطن و فشارهای دوائر و دستگاههای دولتی و انتظامی قرار گرفته اند.

تاریخ مهاجرت شهروندان افغانستانی، تاریخ سوواستفاده و بازیچه قراردادن شان است. آنها در همان حال که به عنوان کارگر ارزان و بی حقوق توسط کارفرمایان خرد و کلان به بیرحمانه شکل استثمار می شوند، در پهنه سیاسی نیز برای رژیم ولایت فقیه و باندهای درونی آن نقش توپ بازی را ایفا می کنند. تهاجم کنونی به مهاجران و پناهجویان، نقطه اوج کمپینی رسانه ای و تبلیغاتی است که باندهای «اصلاح طلب» و «اعتدال گرا» در چارچوب جدال با دولت آخوند قاتل، ابراهیم رئیسی، راه اندازی کردند. دولت رئیسی با اهدافی که انسان دوستی بی شک در میان آنها نبود، ورود پناهجویان و مهاجران به ایران را آسان ساخت. این حرکت بدون فراهم کردن زیرساختها و امکانات لازم برای جذب آنها در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و یا حتی طرح کوتاه مدتی برای آن صورت گرفت.

باندهای حکومتی رقیب، سوار بر نارساییهای تصمیم دولت رئیسی، این گروه اجتماعی را دریچه حمله و انتقاد از رقیب خود و برانگیختن افکار علیه آن قرار دادند؛ تاکتیکی که این دستجات اخراج شده را در صحنه سیاسی مطرح و نگه می داشت و در کنار دیگر تدابیر درون و بیرون بیتی، «روزنه» ای برای شریک شدن در «سفره پهن شده» موجود و همچنین دور بعدی تقسیم سهام می گشود. آنها به این منظور با سخیف ترین اتهامات و درشت نمایی موارد مفرد بزهکاری شهروندان افغانستانی، علیه آنها به جوسازی پرداختند و فعالانه بیگانه هراسی را ترویج کردند.

کارزار یاد شده در حقیقت مسیر تهاجم کنونی باند حاکم به مهاجران و پناهجویان افغانستانی را هموار کرد و میدان آماده ای برای مانور آن پس از شکست همه جانبه نظامی، اطلاعاتی و امنیتی از اسرائیل در اختیارش گذاشت. دستگاه حاکم که ورشکستگی و ناتوانی اش در دفاع از خویش، کشور و مردم به عربان ترین شکل به نمایش گذاشته شده، برای پوشاندن ضعف فاحش خود از یکطرف و نمایش اقتدار به جامعه معترض از سوی دیگر، به پناهندگان و مهاجران افغانستانی یورش آورده است.

همچون دیگر پروژه های فریبکارانه امنیتی که برای نشان دادن «اشراف اطلاعاتی» و قدرت نمایی حاکمیت و بازوهای نظامی - امنیتی اش اجرا می شود، تهاجم به شهروندان افغانستانی حرکتی برای منحرف کردن نگاه ها از حاکمی است که لخت شده از لاف و گزافه هایش، در خیابانها و کوچه های شهر بالا و پایین می رود. رژیم ولایت فقیه که باوجود چهل سال جنگ لفظی و نیابتی با اسرائیل نتوانست مانع شکار دسته جمعی ارشدترین سرکردگان نظامی - امنیتی و کارگزاران آثمی اش شود، حال به گونه مسخره ای ادعا می کند که در هیات پناهندگان و مهاجران افغانستانی یکشبه شبکه های جاسوسی اسرائیل را کشف کرده و سرنخهای آن را از بین برده است.

با مانورهای پر از اغراق و پر حجم روی این اتهام، برخورد های غیرانسانی و خشونت های خانواده ها و کودکان نیز از آن برکنار نمی مانند، رژیم تحقیر شده خامنه ای در تلاش دوخت و دوز پرچم فتح و پیروزی ساختگی در جنگی است که «دشمنان» اش بی پناهان و آوارگان هستند و «فاتحان»، پهلوان پخمه هایی که در عین بزدلی، استعداد شگرفی هم در ردالت دارند.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۹ تیر

کولبران و سوختبران قربانی جاسوسان حکومتی

زینت میرهاشمی



مشکل معیشت و بیکاری کولبران و سوختبران نه تنها طی این سالها حل نشده بلکه هر روز شاهد کشتن، نقص عضو کردن و بیکار کردن شان هستیم. می توان تصور کرد که جنگ ارتجاعی و بستن راهها و کنترل مرزی چه فقر و رنجی را بر آنها تحمیل کرده است. جستجوکنندگان حکومتی در میانه جنگ و سرکوب، دیواری کوتاه تر و آسان تر از این زحمتکشان پیدا نکرده اند.

کامران غضنفری، عضو کمیسیون مجلس ارتجاع، مدعی است که: «ورود تجهیزات نظامی، از جمله ریزپرند و قطعات پهپادها از مسیر کولبری صورت گرفته است.» این کارگزار شکم سیر مجلس، کولبری و سوختبری را «تهدید جدی امنیتی» و «نماد خطر اقتصادی و امنیتی» دانسته است. گویا کولبری شغل لوکس و راحت است و این هموطنان زحمتکش مان از روی میل دست به چنین کارهای پرخطری می زنند.

در حالی که مردم انگشت اتهام را به جاسوسان درون حکومت و از خودیهای شان که تا اتاق خوابهای همدیگر نفوذ کرده اند، نشانه می کنند، هیچ خبری از کشف نفوذیها از قبیله ولایت بیرون درز نمی کند. وزیر اطلاعات رژیم در مورد انتشار آمار جاسوسان و نه نام آنها گفته است که: «آمار مربوط به جواسیس به صورت تدریجی و متناسب با شرایط و مناسباتهای مختلف، توسط قوه قضائیه اعلام می شود؛ چرا که انتشار یکباره این آمار، مناسب نیست.» علت مناسب نبودن هم امنیتی و قابل توضیح نیست.

حرف این کارگزار سرکوبگر این معنا را می دهد که صدها نفر از مردم عادی و فعالان صنفی و مدنی دستگیر شده زیر شدیدترین فشارها و شکنجه برای اعتراف گیری هستند.

تولید دروغ و ساختن جاسوس تحت شکنجه و چوبه اعدام برای ساده سازی و عادی سازی جاسوسان حرفه ای در حکومت است. این شیوه سرکوبگرانه، تیراندازی مزدوران آتش به اختیار بسیجی و سپاهی را توجیه و هیچ مجازاتی هم برایشان در نظر گرفته نمی شود.

تیراندازی مزدوران در شهر خمین به دو خودروی شهروندان، که باعث قتل عمد سه نفر و یک کودک از سرنشینان این دو خودرو شد، در ردیف قتل عمد حکومتی است.

ماجرای نفوذ جاسوس در رژیم قدمتی طولانی دارد اما نحوه کشف این نفوذیها از طرف کارگزاران حکومتی، نکته زیبایی داستان زدی کیسه زر ملانصرالدین «در شهری که داروغه دزد باشد و قاضی رفیق دزد» می اندازه. در هزار پیچ قبیله ولایت که همه از خلافکارهای همدیگر مدرک در دست دارند، چطور نمی توانند جاسوس واقعی را پیدا کنند و کولبران و سوختبران را قربانی می کنند؟

فراسوی خبر ... دوشنبه ۳۰ تیر

چگونه می توانیم جنگ را به خانه بیاوریم؟

منصور امان



سه هفته پس از توقف جنگ، دستگاه حاکم بر کشور به سیاست و رفتار خو گرفته اش بازگشته است. گویی برای آن رویکرد اژانس، رانده شدن به انزوای خطرناک بین المللی، حمله نظامی به کشور و سرانجام ناتوانی در مقابل مهاجمان هرگز اتفاق نیفتاده است. رژیم خامنه ای رو به عقب و در

مسیر پیشین به حرکت درآمده و با هر روزی که از ادامه شرایط جنگی می گذرد، به حرکت خویش شتاب بیشتری می دهد.

در حالیکه نشانه ای از تلاش رژیم حاکم برای نرمش در بحران هسته ای به چشم نمی خورد، با احتمال فعال شدن «مکانیزم ماشه»، فضای مانور و بازی با مذاکره برای آن تنگ تر می شود. اروپا شش هفته به رژیم ولایت فقیه فرصت داده تا به یک توافق بر سر بحران هسته ای اش تن دهد. آمریکا نیز به این زمانبندی پیوسته و بر پشتیبانی از آن تاکید می کند. در مقابل، «نظام» همه هژمدارها پیرامون گر گرفتن دوباره شعله های جنگ و از جمله علامتی که ترویجی اروپایی فرستاده را نادیده می گیرد.

به جای آن، پاوران ارشد سیاسی و سرکردگان نظامی ج.ا سینه جلو داده و به رجزخوانی و قلدنمایی معمول مشغولند. یکی (فداحسین مالکی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس) می گوید «نظام» هراسی از قرار گرفتن در فصل هفتم شورای امنیت ندارد»، دیگری (پاسدار حیات مقدم، عضو دیگر همان کمیسیون) سینه جلو داده «باید از قرار گرفتن ذیل فصل هفتم منشور شورای امنیت هراس داشته باشیم» و آن دیگرکس (حسین شریعتمداری، جریده نویسن دربار خامنه ای) یک پله بالاتر رفته و عریده می کند «مکانیزم ماشه کاغذ پاره است».

اگرچه این گفته ها نه برای توضیح واقعی رویدادها و نه شکل دادن به آنها اعتباری دارد، اما بی تردید برای افزایش تنش و شروع دوباره جنگ کمک بسیار مفیدی است. جمله قصار آخوند خامنه ای مبنی بر اینکه «نه جنگ خواهد شد و نه مذاکره می کنیم» این روزها بیش از هر زمان دیگری بر سرزبانهاست. این جمله چکیده سیاستی است که بر محاسبات اشتباه، خودفروبی و ناتوانی سیستمی در تغییر مسیر بنا گردیده و جنگ ۱۲ روزه یکی از محصولات آن است.

اگر اقلیت حاکم بر کشور در برابر یک چیز مصونیت کامل داشته باشد، آن درس گرفتن از اشتباهات و عبرت آموزی است. پس از یک دوره رجزخوانی بی مایه از نوع آنچه که در بالا بدان اشاره شد، اینک آنچه گویی این دسته لاف زن از گزافه های خود به هیجان آمده باشد، زبان به تهدید گشوده و شمشیر «بستن تنگه هرمز» و «بالا بردن سطح غنی سازی به ۹۰ درصد» را گرد سر می چرخاند. در همین مسیر تپه، سپاه پاسداران از قول منبع رسانه وابسته خود موسوم به «تسنیم» نقشه «استفاده از ذخایر اورانیوم برای کاربردهای نظامی» که آنها را «غیرممنوع» می نامد را پهن کرده است.

به این وسیله رژیم آخوند خامنه ای فقط یک ماه پس از شروع جنگ، انگشت در همان سوراخی فرو برده که یکبار کشور و مردم را به زهر آن مسموم ساخته. حمله نظامی اسرائیل و آمریکا نشان داد که پس از ۷ اکتبر، امتیازگیری به وسیله تهدید، غنی سازی و انبار کردن اورانیوم خیالپردازی است. اکنون نیز به همان ترتیب گذشته، تنها تاثیری که تهدیدهای توخالی و اقدامات تحریک آمیز خامنه ای و شُرکا به جا می گذارد، تبدیل خود و کشور به هدف مشروع نظامی برای حریفانی است که به همان اندازه آنها جنگ طلب و شرور هستند. تفاوت در این است که خامنه ای و همگنان دهان پر دارند و پُرگو و آنان دستان پر دارند و پُر زور!

رژیم ولایت فقیه آگاهانه و خیره سرانه در حال زمینه سازی برای درگرفتن جنگ بعدی است. یورش وحشیانه به معترضان و کوشندگان مدنی، سیاسی و صنفی، اعدامهای خودسرانه و تشدید فشار بر زندانیان سیاسی نشان از وحشت و نگرانی آن نسبت به واکنش جامعه به این رویکرد تبهکارانه دارد. دماسنج حاکمیت نقطه جوش را نشان می دهد و با سایه فروپاشی در دور بعدی جنگ خارجی بر سر، برای پیشگیری از رسیدن لحظه تغییرات کمی به کیفی، به جنگ با جامعه برخاسته است.

فراسوی خبر پنجشنبه ۲۶ تیر

تشدید شکاف بین

«کاسبان» و «رویا فروشان»

زینت میرهاشمی



جدال در حکومت ولایتی میان باندهای حکومتی از غالب، مغلوب تا مغضوب بعد از جنگ ۱۲ روزه و آتش بس موقت، تشدید و خشن تر شده است. در حکومت فاسد، جاسوسان بین هم می لولند و به روی همدیگر شمشیر می کشند. یکی از مختصات دوره پسا جنگ، ستیز «کاسبان جنگ»، رویا فروشان فرصت طلب و... بر سر غنائم سیاسی آتش بس است.

همین دوره کوتاه پسا جنگ، بار دیگر نشان می دهد که مشکل صاحبان قدرت و ثروت در دیکتاتوری مالاها، مساله تجاوز دولت بیگانه به خاک میهن نیست، بلکه حفظ نظام از سرنگونی است. در این میان باندهای رانده شده و تحقیر شده از قدرت، آب دهان شان راه افتاده و با باز کردن درب دکان عطاری خود، دنبال ادویه هایی می گردند تا بتوانند تلخی حکومت اعدامی و جنایتکار را به اسم «فرصت» برای «همبستگی، همدلی»، به خورد مردم بدهند.

معماران همبستگی «قلابی» تا جایی پیش می روند که مدعی می شوند «بیش از دوسوم شهروندان متکثر ایران هم از پاسخ نظامی ایران و هم از قبول آتش بس و هم از عملکرد دولت و نیروی انتظامی در طول جنگ ابراز رضایت می کنند». نویسنده سرمقاله بر اساس همین آمار ساخته شده برنامه چند ماده ای ارائه می کند که در آن خواهان آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی و عفو برای بازگشت تعدادی از خارج نشینان هوادار حفظ نظام می شود. گامهای تقویت همبستگی، روزنامه حکومتی اعتماد ۲۲ تیر ۱۴۰۴

زهی خیال باطل. در جنگ بین دو دیکتاتور، یکی فاشیست و یکی جنایتکار، فقط در منطق شارلاتانها «آشتی ملی» تبلیغ می شود. آشتی بین باندهای حکومتی به معنای «ملی» نیست.

محمد مخبر، مشاور خامنه ای دست به دامان خواص شده است. او در برابر طرح استیضاح در عدم کفایت پزشکبان و یا ترور او گفت: «این حرف غلطی است. مردم و خواص باید با دلسوزی کمک کنند تا این انسجام (منظور او وفاق کابینه امنیتی نظامیها است) همچنان ادامه پیدا کند».

عضو شورای شهر رشت خواستار ترور پزشکبان توسط اسرائیل شد و عضو شورای تبریز هم خواستار انداختن این فرد به «زباله گاه» رشت شد.

حرکتهای اعتراضی در روز شنبه ۲۱ و یکشنبه ۲۲ تیر و از سوی دیگر مقاومت زندانیان سیاسی در فشافویه با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» در برابر نمایش تصویری بازدید رئیس زندان و دستگیریهایی گسترده مخالفان حکومت و... نشان می دهد که موضوع اصلی یعنی جنس حکومت با جنگ تحمیل شده به کشور تغییری نکرده است و جنبش اعتراضی در زیر شمشیر و سرکوب ادامه خواهد داشت.

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۳ تیر

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 492/23 JULY 2025

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

یادواره شهیدان فدایی

رفیق جواد کاشی

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

شهیدان فدایی در مرداد ماه



رفیق محمد صفاری آشتیانی

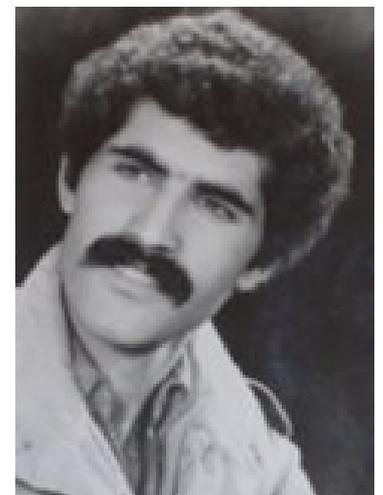
رفقا: ابراهیم آزاد سرو، محمد صفاری
آشتیانی - فرخ سپهری - مهدی
فضیلت کلام - فرامرز شریفی - احمد
زیبرم - فریدون شافعی - عباس
جمشیدی رودباری - زین العابدین
رشتچی - غلام رضا بانژاد - محمد
رضا خوانساری - حسین علی الهیاری
- جهانبخش پایداری - مرتضی (امیر)
فاطمی - داریوش شافعیان - قدرت الله
شاهین سخن - فرزاد صیامی - بهروز
کتابی - سعیده کریمیان - گودرز
همدانی - مهدی یوسفی کهل - حسن
کهل - زهرا فرمانبردار قادیکلای -

رفیق جواد سمیل فداکاری و صداقت بود،
علاقه‌مندی او به فنون نظامی آن چنان بود که در
کمتر زمان ممکن توانست در عملیات گوناگون،
مسئولیت دسته‌های عملیاتی را بر عهده بگیرد.
رفیق جواد قاطع و پرکار بود، او اعتقاد داشت که در
سازمان باید با مشکلات و مسائل قاطعانه برخورد
کرد.

روز ۳۰ مرداد سال ۱۳۶۱ مزدوران مسلح و جاشهای
محلی عملیاتی را در منطقه "شهر کن" در اطراف
"بوکان" آغاز کرده بودند. هنگامیکه از طرف ده
"باغلوچه" به سمت "بغده که ندی" در حرکت
بودند، مورد حمله پیشمرگان سازمان قرار گرفتند.
در عملیات پیشمرگان ضربه سختی به مزدوران
رژیم وارد شد. رفیق جواد که در این عملیات به
عنوان فرمانده مسئولیت ستون پیشمرگان را
برعهده داشت، توسط یکی از مزدوران رژیم که
زخمی شده و در زیر پل کنار جاده افتاده بود، به
رگبار بسته شد. بدینسان رفیقی که با استقامت و
صداقت جای خود را در میان رفقا پیدا کرده بود به
خیل عظیم شهیدان فدایی و جنبش انقلابی کرد
پیوست.

یاد و نامش جاودان

منبع: فیسبوک یادواره پیشمرگان جانباخته ی فدایی



فدایی شهید رفیق جواد کاشی در سال ۱۳۳۵ در شهر سنقر
کلیایی در خانواده‌ای کارگری و زحمتکش متولد شد.
تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در سنقر و بروجرد به پایان
رسانید. پس از آن به سربازی رفت.
رفیق جواد قبل از قیام یکبار دستگیر و چون از او مدرکی
نداشتند پس از ده روز آزاد شد. در دوران جمهوری
اسلامی نیز رفیق جواد به علت فعالیت سیاسی یک بار
در آذرماه ۱۳۵۸ به مدت دو ماه و بار دوم در آبان ۱۳۵۹
به مدت ده روز در بازداشت بود. پس از انشعاب (۱۳۵۹)
به صفوف پیشمرگان فدایی در کردستان پیوست.

حسین پور قنبری - محمد تقی ترابی - کریم ترابی - عبدالرضا ترابی - عبدالحسین
(غلام) راشدی - حمد رضا رمضان علی - محمد عظیمی - محمد یزدانی - کامران
اسماعیل زاده - هادی حسین زاده کرمانی - جواد کاشی (کارشی) - یوسف کیشی زاده
- سعید میرشکاری - هرمز گرجی بیانی - ابوالقاسم رشوند سرداری - هامان شفیعی -
محمد (محمود) یوسفی - علی علامه زاده - حسین محمدی - بیژن مجنون -
عبدالکریم عبدالله پور - سعید سلیمانی زاده - علی احمدی - مسعود شریفیان
- عباس علی شریفیان - علی رضا قاسمیان - اسماعیل عابدی - مهرداد میناسیان -
غضنفر اسدی - خالد حالی زاده - جمیل اکبری آذری - ونداد ایمانی - جلال فتاحی،
مسعود جعفرپور - ابراهیم جلالی - عبدالرحیم (مجید) جلالی - شهرام خدا پناهی -
یحیی رجبی - محمد رفیعی - مهرداد گرنامی - مهین ضیاشندی - آرامانیس داربیانس
- مهدی صدیق پور - ناصر فضل الهی - نصرت الله کریمی - حالی حالی زاده -
علی یاسری نشتی - سعید سالاری ساردوئی - حسن منصوری - کتابیون داده امیری
(دادا میری) - یعقوب مالتی - ایوب ملکی - عزیز محمد رحیمی - آذرنوش مهدویان
- یوسف منزله - اردشیر شیرین بخش - عبدالله لیجانی - محمد رسول عزیزیان -
کاظم کارزونی - فیروز صدیقی - جمشید پورقاسمی - عبدالعظیم سرعتی و... از سال
۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به دست مزدوران رژیمهای شاه و
خمینی به شهادت رسیدند، یاد و نامشان جاویدان.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم